

« ھس لہ فلاں »

## اشاره ای مختصر به اصل واقعه غدیر خم

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ  
ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ  
لَا سِيَّمًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَوَصِيِّهِ وَخَلِيفَتِهِ، أَسَدِ اللَّهِ الْعَالِبِ، أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ  
عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ أَفْضَلُ التَّحِيَّةِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ  
وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ وَمُنْكَرِي فَضَائِلِهِمْ وَمَنَاقِبِهِمْ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ  
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ :

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می فرماید:

« ای پیغمبر! برسان و تبلیغ کن به مردم آنچه را که از جانب پروردگارت به تو نازل شده است! و اگر نرسانی رسالت پروردگارت را نرسانده ای! و خداوند تو را از مردم حفظ می کند؛ و خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند »  
این آیه به آیه ابلاغ معروف می باشد و این تهدید شدید الهی به پیامبر از جانب خداوند، درباره غدیر خم و نصب مولی الموالی حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) به مقام ولایت و امامت و خلافت بلافضل رسول الله و معرفی ایشان به عموم مردم بوده است.

ولایت از مهمترین اساس و پایه های دین مبین است ، بلکه میتوان گفت بزرگترین ستون و تکیه گاه ایمان و اصالت و واقعیتی است که تمام دل ها را به خود جذب و به کعبه و قبله مقصود رهبری میکند و لهذا در حدیث عشیره اسلام و پذیرش نبوت رسول الله را توأم با ولایت و پذیرش مقام اولویت مولی الموالی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) قرار داده است ؛ خلافت و وصایت و ولایت آن حضرت در امتداد خلافت الهی و ولایت رسول خدا بوده و بر همین قاعده ، رسول خدا پیوسته و همیشه مراراً و کراراً ، در سفر و حضر ، و شب و روز ، و خلوت و جلوت ، و در بین مجتمع مردم ، و در نزدخواص و نزدیکان ، بر این مهم مراقبت دارد ؛ و وصایت و ولایت امیرالمؤمنان را ابلاغ و تبلیغ می نماید؛ و او را معرفی میکند ، و یکایک از مکارم اخلاق و حُسنِ شَیْمِ او را بر می شمرد ؛ و مقام علم و وسعت دانش و بینش او را تذکر میدهد؛ و ولایت را بر آنها استوار مینماید ولی تا سال آخر حیات رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آیه ای که با صراحت و روشنی این مسئله را بیان کند نازل نشده ؛ و رسول خدا در مَجْمَعِ عَلَنی در ضمن خطبه ای آن حضرت را معرفی ننموده و به مقام خلافت و ولایت نسبت به جمیع مؤمنین و مؤمنات نصب ننموده بودند و البته معلوم است که نصب آن حضرت کاری بس مشکل و دشوار است. اعراب تازه مسلمان و خو گرفته به آداب جاهلیت که درست معنای نبوت را نمی فهمند ، و بین آن و حکومت فرقی نمیگذارند؛ و ولایت را فقط یک ریاست و زعامت ظاهری می پندارند؛ و در میان آنان جماعت کثیری از منافقان نیز دیده میشوند که به ظاهر اسلام را پذیرفته ؛ و در دل های آنان أَحْقَادِ بَدْرِیّه و حُنَیْنِیّه و خَیْبَرِیّه و أُحُدِیّه غلیبان دارد راضی نیستند که به آسانی ولایت را بپذیرند، همچنانکه نبوت را نیز به آسانی نپذیرفته بودند.

این امر پیوسته ادامه داشت تا سال آخر عمر رسول خدا ، که در این سال سفارش ها بیشتر ، و توصیه ها افزون تر ، و تاکید ها قوی تر و شدیدتر بود. زیرا که رسول خدا می دانستند که از دنیا می روند ؛ و غیر از علی کسی نیست که واجد ولایت باشد؛ و متحمل اعباء خلافت گردد ؛ و در حقیقت حافظ و نگاهدارنده و پاسبان و پاسدار دین خدا و قرآن کریم و روح و سر نبوت باشد ؛ و در حقیقت ولایت علی در امتداد بیست و سه سال نبوت رسول الله و حافظ خَطِّ مَشی آن حضرت بود ؛ و بدون اعلان و معرفی ولایت ؛ نبوت رسول الله ناقص و زحمات طاقت فرسای آن حضرت عقیم می ماند.

از این روی در این سال پیوسته رسول الله به وصایت امیرالمؤمنین ، و ولایت او بر هر مؤمن و مؤمنه ، و خلافت و زعامت او ، توصیه ها داشتند ؛ تا اینکه پیامبر مأمور می گردند از طرف خدا ، ولایت او را علناً بدون خُفِیّه و پنهانی ، بلکه علنی و در مجمع مردم بیان کنند؛ در جایی که همه طبقات و اصناف مردم ، از شهرها و قُراء و کُشورها گرد آمده اند ؛ تا اینکه آنان این پیام را به همه مردم جهان برسانند . پیامبر در این سال که سال دهم هجرت است ، خود عازم حج بیت الله الحرام شدند ؛ و از مدتی قبل در مدینه اعلام و اعلان حج آن حضرت شد . این سفر ، سفر عادی نیست و این حج را حِجَّةُ الْبَلَاغِ ، و حِجَّةُ الْإِسْلَامِ ، و حِجَّةُ الْوَدَاعِ ، و حِجَّةُ التَّمَامِ و حِجَّةُ الْکَمَالِ گویند.

اما حِجَّةُ الْبَلَاغِ گویند به جهت خطبه هایی که حضرت در آن سفر ایراد میکرده اند و در آنها خطاب به مسلمانان نموده و خدا را شاهد می گرفتند و میگفتند: اللَّهُمَّ هَلْ بَلَغْتُ ؟ ! « بارپروردگارا آیا من ابلاغ کردم ؟ ! »

اما حِجَّةُ الْإِسْلَام گویند به جهت آنکه رسول خدا، احکام حج را طبق دستورات اسلام بیان کرده ، حدود عَرَفَات و مَشْعَر و مِنی را مُعَيَّن نموده ، و وجوب افاضه و حرکت از عرفات را در شب عید قربان که مشرکان بر ای قریش نسخ کرده بودند، بیان فرمود و حج را به زمان اصلی خود برگردانیده و تأخیر آن را که نسیء میباشد و موجب ازدیاد کفر است ، مشروحا و مستدلّاً بر آیه کریمه بیان فرمود و سعی بین صفا و مروه را از شعائر الهی دانست و خود سعی فرمود و سایر آداب حج را از طواف و نماز و بالاخص بیان وجوب حجّ تمّنع را برای افرادی که منزلشان از مکه دور است و بقاء این وجوب را تا روز قیامت مفصّلاً بر فراز کوه مروه بعد از نزول جبرائیل و آوردن وحی الهی بیان فرمود .

و اما حِجَّةُ الْوَدَاع گویند به جهت تودیع رسول الله با مسلمانان در ضمن برخوردها و خطبه ها و این تودیع بعد از رحلت آن حضرت در زمان کوتاهی که هفتاد روز بعد از غدیر خم و هشتاد روز بعد از خطبه در عرفات و در منی صورت گرفته بود ، معلوم و مشهود شد ؛ و مردم را تودیع و توصیه نموده کتاب خدا : قرآن کریم ، و عترت خود : اهل بیت که تا روز قیامت از هم جدا نمی شوند ؛ و دو متاع نفیس و پرارزش می باشند که متمسکین به آنها هیچگاه گمراه نمی شوند .  
و اما حِجَّةُ التَّمَام و اِکْمَال گویند به جهت نزول آیه کمال دین و تمام نعمت که به دنبال خطبه آن حضرت در روز غدیر خم بر مردم ارزانی شد ، والله الحمد دین مردم کامل و نعمت خداوندی به تمامیت خود رسید .

### جمعیت حجاج

خواند امیر ، غیاث الدین حسینی - مُورِّخ شهیر - گوید : « در آن سفر سَيِّدَةُ النَّسَاء فاطمة زهراء و اُمّهات مؤمنین تمام در هودج ها نشسته همراه بودند ، و به روایتی یکصد و چهارده هزار ، و به قولی صد و بیست و چهار هزار کس در آن راه به خدمت حضرت رسالت پناه استسعاد یافته زبان به تلبیه گشودند . » البته باید دانست که این جمعیت انبوه که با رسول الله به مکه حرکت کردند خصوص اهل مدینه و قراء اطراف بودند؛ و اما جماعتی که از سایر اماکن همچون یمن آمدند بر این مقدار افزوده می شد .

### مسیر سفر

حرکت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از مدینه بعد از نماز ظهر روز شنبه بیست و پنجم ذوالقعدة بوده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) بعد از نماز ظهر به سوی ذوالحلیفه که در یک فرسخی مدینه است حرکت کرد و نماز عصر را در آنجا بطور قصر ( دو رکعت ) بجای آورد. روز یکشنبه بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به یَلَمَم رسیدند و از آنجا حرکت کرده و شام را در شَرَفُ السَّيَالَه خوردند؛ و در همان جا نماز مغرب و عشاء را بجای آوردند ؛ و سپس به راه افتاده و نماز صبح را در عِرْقُ الطَّبَّيَه خواندند؛ و سپس در رَوْحَاء وارد شدند؛ و از رَوْحَاء نیز گذشته و نماز عصر را در مُنْصَرَف گزاردند ، و نماز مغرب و عشاء را در مُتَعَشَّى خواندند و آنجا هم شام خوردند ؛ و نماز صبح را در اَثَايَه بجای آوردند و در صبح سه شنبه به عَرَج رسیدند ؛ و در عَرَج که همان گردنه جُحْفَه است در دهان شتران، حِجَام چیزی است که در دهان

شتر می گذارند تا گاز نگیرد ، و هیجان نکند) نهاندند؛ و در روز چهارشنبه به سُقیّا رسیدند؛ و صبح پنجشنبه در اَبواء بودند؛ و نماز را در آنجا گزاردند؛ و در روز جمعه به جُحْفَه وارد شدند و از آنجا به قُدَید وارد شدند؛ و در روز شنبه آنجا بودند و روز یکشنبه به عُسْفَان رسیدند و از آنجا که حرکت کرده و به عَمیم رسیدند؛ حاجیهای پیاده رو ؛ در مقابل آن حضرت صفّ کشیده ، و از راه رفتن شکایت کردند؛ حضرت دستور دادند که آنها بطور نَسْلان بروند (قدم رو و حرکت سریعی است که به حد دویدن نمی رسد) و چون پیادگان چنین کردند، در خود احساس راحتی نمودند ؛ و در روز دوشنبه به مَرُّ الظُّهْرَان رسیدند ؛ و از آنجا حرکت نکردند تا شب فرا رسید و در سَرَفِ آفتاب غروب کرد و نماز مغرب را نخواندند تا داخل مکه شدند ؛ و چون به ثَبِیْتِین رسیدند ( دوگردنه است نزدیک به هم، متصل به مکه ) در بین آن دو گردنه شب را به روز آوردند ؛ و در روز سه شنبه داخل مکه شدند؛ و البته می دانیم که چون پنجشنبه اول ماه ذوالحجّة بوده است ( زیرا بدون هیچ اختلاف بطور یقین گفته اند که روز عرفه که رسول الله در عرفات خطبه خوانده اند ، روز جمعه بوده است) روز ورود آن حضرت به مکه که روز سه شنبه است ششم ذوالحجّة خواهد بود.

بارسیدن روز نهم ذی الحجّة مراسم حج آغاز شد. حضرت به موقف عرفات و سپس به مشعر رفتند ، و روز دهم در منی قربانی و رمی جمرات و سایر اعمال را انجام دادند . سپس طواف و سعی و بعد از آن اعمال دیگر حج را به ترتیب به انجام رساندند ، و در هر مورد واجبات و مستحبات آن را برای مردم بیان فرمودند . بدینسان تا پایان روز دوازدهم ذی الحجّة اعمال سه روزه حج پایان یافت .

### تحویل میراث انبیاء (علیهم السلام) به صاحب ولایت

پس از پایان مراسم حج دستور الهی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین نازل شد : « نبوت تو به پایان رسیده و روزگارت کامل شده است . اسم اعظم و آثار علم و میراث انبیاء را به علی بن ابیطالب بسپار که او اولین مؤمن است. من زمین را بدون عالمی که اطاعت من و ولایت با او شناخته شود و حجت بعد از پیامبرم باشد رها نخواهم کرد». یادگارهای انبیاء (علیهم السلام) صحف آدم و نوح و ابراهیم (علیهم السلام) و تورات و انجیل و عصای موسی (علیه السلام) و انگشتر سلیمان (علیه السلام) و سایر میراثهای ارجمندی است که فقط در دست حجج الهی است و نزد انبیای گذشته و اوصیای ایشان دست به دست گشته تا آن روز که خاتم انبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) حافظ آن بود ، و اینک باید به اوصیای آن حضرت انتقال می یافت . پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را فرا خواند و مجلس خصوصی تشکیل دادند و دایع الهی را به آن حضرت تحویل داد ، و بدینسان میراث شش هزار ساله انبیاء (علیهم السلام) به امیر المؤمنین (علیه السلام) سپرده شد . این دایع از امیرالمؤمنین (علیه السلام) به امامان بعد منتقل شده تاکنون که در دست مبارک آخرین حجت پروردگار حضرت بقیه الله الاعظم (علیه السلام) است .

## سلام به عنوان «امیر المؤمنین»

پیش از حرکت به سوی غدیر، در مکه جبرئیل لقب «امیر المؤمنین» را به عنوان اختصاص آن به علی بن ابیطالب (علیه السلام) از جانب الهی آورد اگر چه این لقب در موارد دیگر نیز برای آن حضرت تعیین شده بود (همچنان که پیامبر در توصیف امیر المؤمنین فرمود: فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ أَمِيرٌ مِّنْ فِي الْأَرْضِ وَأَمِيرٌ مِّنْ فِي السَّمَاءِ وَأَمِيرٌ مِّنْ مَّضَى وَأَمِيرٌ مِّنْ بَقَى وَلَا أَمِيرٌ قَبْلَكَ وَلَا أَمِيرٌ بَعْدَكَ) «پس تو یا علی امیر هستی بر کسانی که در زمینند و امیر هستی بر کسانی که در آسمانند و امیر هستی بر کسانی که در گذشته بوده اند و امیر هستی بر کسانی که در آینده خواهند بود و قبل از تو امیری نبوده است و بعد از تو نیز امیری نخواهد بود».

با این وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دستور دادند تا بزرگان اصحاب جمع شوند و طی مراسم خاصی نزد علی (علیه السلام) بروند و به عنوان «امیر المؤمنین» بر او سلام کنند و «السلام علیک یا امیر المؤمنین» بگویند، و بدینوسیله در زمان حیات خود، از آنان اقرار بر امیر بودن علی (علیه السلام) گرفت. در اینجا ابوبکر و عمر به عنوان اعتراض به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) گفتند: آیا این حقی از طرف خدا و رسولش است؟ حضرت غضبناک شد و فرمود!

«حقی از طرف خدا و رسولش است. خداوند این دستور را به من داده است».

باری رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در کل سفر حِجَّةُ الْوَدَاعِ از بدو حرکت از مدینه تا برگشت به مدینه مجموعاً شش خطبه خوانده اند: اول در روز هفتم ذی الحجة در مکه مکرمه، دوم در روز عرفه، سوم در روز عید قربان، چهارم در یوم القَرَّ که روز یازدهم است در منی، پنجم در یَوْمُ النَّفَرِ الْاَوَّلِ که روز دوازدهم است در منی و ششم در روز هجدهم ذی الحجة الحرام در وادی غدیر خم که بزرگترین عید عالم است.

## اعلان عمومی حضور در غدیر

با اینکه انتظار میرفت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در این اولین و آخرین سفر حج خود مدتی در مکه بماند، ولی بلافاصله پس از اتمام حج حضرت به منادی خود بلال دستو دادند تا به مردم اعلان کند:

فردا - روز چهاردهم ذی الحجة - همه باید حرکت کنند تا در وقت معین در «غدیر خم» حاضر باشند و کسی جز معلولان نباید باقی بماند.

## خروج از مکه

اینک پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از دوری ده ساله از وطن خود مکه - بدون آنکه مدتی اقامت کنند تا مسلمانان به دیدارش بیایند و مسائل خود را مطرح کنند - با پایان مراسم حج فوراً از مکه خارج شدند و مردم را نیز به خروج از مکه و حضور در «غدیر» امر نمودند.

داستان نصب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) در غدیر خم به مقام ولایت کلیه کبرای الهیه، از داستانهای بسیار مهم تاریخ اسلام است زیرا در حقیقت این واقعه بیانگر بقاء رسالت پیامبر اکرم و دوام دوره ولایت الهیه آن حضرت در تجلی گاه وجود مبارک امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده است.

## توقف

پیامبر اکرم راجع به توصیه به اهل بیت و لزوم رجوع به کتاب خدا و عترت چند بار خطبه خوانده و زمینه راتا سرحد امکان برای اعلان عمومی ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) مساعد می نمود، همین که کاروان رسول خدا به غدیر خم رسید، که نزدیک جحفه و آنجا محل انشعاب راه مدینه و راه مصر و راه شام است، باز جبرائیل نازل شد:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ<sup>۱</sup>

و این نزول در غدیر خم در روز هجدهم ذوالحجه بود به اتفاق جمیع مورخین و طبق آنچه آوردیم باید در روز یکشنبه باشد. اینجا جبرائیل امر میکنند که رسول خدا توقف کند، و علی را به عنوان سید و سالار و امام خلق معرفی نماید، و آنچه از ولایت در باره علی به پیامبر رسیده، و از طرف خدا تبلیغ شده به مردم ابلاغ نماید؛ که علی، ولی و مولای تمام خلایق است، و اطاعت از او برای جمیع مردم واجب است. در این حال بود که قسمت مقدم کاروان و جمعیت حجاج به جحفه رسیده بودند؛ و قسمتی در عقب بوده؛ و هنوز به رسول الله نپیوسته بودند؛ پیامبر در غدیر توقف فرمود؛ و دستور داد که قسمت جلو که به جحفه رسیده اندرگردند؛ و انتظار کشید که قسمت پشت سر نیز رسیدند و همه را در آن مکان متوقف ساخت. و نیز دستور داد که زیر پنج درخت بزرگی را که نزدیک بهم بودند و از جنس سمر بودند؛ جاروب زدند و پاک کردند؛ و امر فرمود کسی در این ناحیه ای که زیر پنج درخت است نزول نکند و ننشیند. چون همه حجاج از جلو و عقب رسیدند؛ و همگی با جماعت رسول الله در آن مکان مجتمع گشتند؛ و زیر درخت ها پاک و پاکیزه شد؛ و اینک موقع نماز ظهر رسیده بود؛ پیامبر به زیر درختها تشریف آورد؛ و امر فرمود مردم آمدند؛ و نماز ظهر را با رسول خدا بجا آوردند. و آن روز بسیار گرم بود به طوری که مردم که در آن صحرا حاضر شدند؛ از شدت گرمای آفتاب تابیده بر روی زمین و بر روی ریگ های داغ شده، مقداری از ردای خود را در زیر پاها می انداختند؛ و بر روی آن می نشستند؛ و مقداری از آن را بر سرشان می افکندند. و برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) سایبانی درست کردند؛ بدین طور که پارچه ای را بر روی یکی از آن درختان سمره افکندند تا مظله ای درست شد. و از جمع کردن جهازهای شتران و انباشتن به روی هم در زیر آن سایبان منبری ترتیب دادند.

چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از نماز ظهر فارغ شد؛ بر آن منبر جهازی بالا رفت و در حالیکه در وسط جمعیت قرار گرفته بود ( و امیرالمؤمنین هم یک پله پایین تر از پیامبر بر روی منبر ایستاده بودند و پیامبر دست بر شانه امیرالمؤمنین بودند ) صدای خود را به خواندن خطبه بلند کرد و به طوری بلندخطبه می خواندکه صدایش را به همه جمعیت می رساند .

## خطبه غدیر

سخنرانی تاریخی پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) در یازده بخش قابل ترسیم است :

حضرت در اولین بخش سخن، به حمد و ثنای الهی پرداختند و صفات قدرت و رحمت حق تعالی را ذکر فرمودند ، و بعد از آن به بندگی خود در مقابل ذات الهی شهادت دادند .

در بخش دوم ، سخن را متوجه مطلب اصلی نمودند و تصریح کردندکه باید فرمان مهمی در باره علی بن ابیطالب ابلاغ کنم ، و اگر این پیام را نرسانم رسالت الهی را نرسانده ام و ترس از عذاب او دارم.

در سومین بخش ، امامت دوازده امام بعد از خود را تا آخرین روز دنیا اعلام فرمودند تا همه طمعها یکباره قطع شود. از نکات مهم در سخنرانی حضرت ، اشاره به عمومیت ولایت آنان بر همه انسانها و در طول زمانها و در همه مکانها و نفوذ کلماتشان در جمیع امور بود و نیابت تام ائمه (علیهم السلام) را از خدا و رسول در حلال و حرام و جمیع اختیارات اعلام فرمودند .

در بخش چهارم خطبه ، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با بلند کردن امیرالمؤمنین (علیه السلام) به آسمان با دو دست خود بطوریکه کف پای امیرالمؤمنین (علیه السلام) کنار زانوهای پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) قرار گرفت و معرفی امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند : **مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخذُلْ مَنْ خَذَلَهُ** «هرکس من نسبت به او از خودش صاحب اختیارتر بوده ام این علی هم نسبت به او صاحب اختیار تر است خدایا دوست بدار هرکس علی را دوست بدارد ، و دشمن بدار هرکس او را دشمن بدارد ، و یاری کن هرکس او را یاری کند، و خوار کن هرکس او را خوار کند »

سپس کمال دین و تمام نعمت را با ولایت ائمه (علیهم السلام) اعلام فرمودند و بعد از آن خدا و ملائکه و مردم را بر ابلاغ این رسالت شاهد گرفتند.

در بخش پنجم حضرت صریحا فرمودند : « هرکس از ولایت ائمه (علیهم السلام) سرباز زند اعمال نیکش سقوط میکند و در جهنم خواهد بود » بعد از آن شمه ای از فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) را متذکر شدند.

بخش ششم از سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) جنبه غضب الهی را نمودار کرد. حضرت با تلاوت آیات عذاب و لعن از قرآن فرمودند : «منظور از این آیات عده ای از اصحاب من هستندکه مأمور به چشم پوشی از آنان هستم ، ولی بدانند که



خداوند ما را بر معاندین و مخالفین و خائنین و مقصرین حجت قرار داده، و چشم پوشی از آنان در دنیا مانع از عذاب آخرت نیست.»

سپس به امامان گمراهی که مردم را به جهنم می کشانند اشاره کرده فرمودند: «من از همه آنان بیزارم» اشاره رمزی هم به «اصحاب صحیفه ملعونه» داشتند و تصریح کردند که بعد از من مقام امامت را غصب میکنند و سپس غاصبین را لعنت کردند.

در بخش هفتم حضرت تکیه سخن را بر اثرات ولایت و محبت اهل بیت (علیهم السلام) قرار دادند و فرمودند: «اصحاب صراط مستقیم در سوره حمد شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) هستند» سپس آیاتی از قرآن در باره اهل بهشت تلاوت فرمودند و آنها را به شیعیان و پیروان آل محمد (علیهم السلام) تفسیر فرمودند آیاتی هم در باره اهل جهنم تلاوت کردند و آنها را به دشمنان آل محمد (علیهم السلام) معنی کردند.

در بخش هشتم مطالبی اساسی درباره حضرت بقیه الله الاعظم حجه بن الحسن المهدی ارواحنا فداه فرمودند و به اوصاف و شئون خاص حضرتش اشاره کردند و آینده ای پر از عدل و داد به دست امام زمان عجل الله فرجه را به جهانیان مژده دادند.

در بخش نهم فرمودند: پس از اتمام خطابه شما را به بیعت با خودم و سپس بیعت با علی بن ابیطالب دعوت می کنم . پشتوانه این بیعت آن است که من با خداوند بیعت کرده ام و علی هم با من بیعت نموده است ، پس این بیعت که از شما میگیرم از طرف خداوند و بیعت با حق تعالی است .

در دهمین بخش حضرت در باره احکام الهی سخن گفتند که مقصود بیان چند پایه مهم عقیدتی بود: از جمله اینکه چون بیان همه حلالها و حرامها توسط من امکان ندارد با بیعتی که از شما در باره ائمه (علیهم السلام) می گیرم حلال و حرام را تا روز قیامت بیان کرده ام زیرا علم و عمل آنان حجت است . دیگر اینکه بالاترین امر به معروف و نهی از منکر ، تبلیغ پیام غدیر درباره امامان (علیهم السلام) و امر به اطاعت از ایشان و نهی از مخالفتشان است .

در آخرین مرحله خطابه ، بیعت لسانی انجام شد و حضرت فرمودند :

« خداوند دستور داده تا قبل از بیعت با دست، از زبانهای شما اقرار بگیرم » سپس مطلبی را که می بایست همه مردم به آن اقرار میکردند تعیین کردند که خلاصه آن اطاعت از دوازده امام (علیهم السلام) و عهد و پیمان بر عدم تغییر و تبدیل و بر رساندن پیام غدیر به نسلهای آینده و غائبان از غدیر بود. در ضمن بیعت با دست هم حساب می شد زیرا حضرت فرمودند: « بگوئید با جان و زبان و دستان بیعت می کنیم».

کلمات نهایی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دعا برای اقرار کنندگان به سخنانش و نفرین بر منکرین اوامر آن حضرت بود و با حمد خداوند خطابه حضرت پایان یافت.

## بیعت

پس از اتمام خطبه، صدای مردم بلند شد که: «آری، شنیدیم و طبق فرمان خدا و رسول با قلب و جان و زبان و دستمان اطاعت می‌کنیم» بعد به سوی پیامبر و امیرالمؤمنین (علیهما السلام) ازدحام کردند و برای بیعت سبقت می‌گرفتند و با ایشان دست می‌دادند.

از سویی حضرت در روز غدیر فرمودند: «به من تبریک بگویید، به من تهنیت بگویید، زیرا خداوند مرا به نبوت و اهل بیتم را به امامت اختصاص داده است» و از سوی دیگر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به منادی خود دستور دادند تا بین مردم گردش و این خلاصه غدیر را تکرار کند «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ» تا به عنوان تابلویی از غدیر در ذهنها نقش ببندد.

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) پس از فرود از منبر دستور دادند تا دو خیمه برپا شود. یکی را مخصوص خود قرار دادند و در آن جلوس فرمودند و به امیرالمؤمنین (علیه السلام) دستور دادند تا در خیمه دیگر جلوس نماید، و امر کردند تا مردم جمع شوند. پس از آن مردم دسته دسته در خیمه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) حضور می‌یافتند و با آن حضرت بیعت نموده و تبریک و تهنیت می‌گفتند. سپس در خیمه مخصوص امیرالمؤمنین (علیه السلام) حاضر می‌شدند و به عنوان امام و خلیفه بعد از پیامبر شان با آن حضرت بیعت میکردند و به عنوان «امیرالمؤمنین» بر او سلام می‌کردند و این مقام والا را تبریک می‌گفتند این برنامه چنان حساب شده بود که همه مردم در آن شرکت کردند. ولی ابوبکر و عمر (با آنکه پیش از همه خود را برای بیعت به میان انداخته بودند و البته بلافاصله بعد از رحلت و شهادت پیامبر اولین کسانی بودند که بیعت خدا را شکستند) قبل از بیعت به صورت اعتراض پرسیدند: آیا این امر از طرف خداوند است یا از طرف رسولش (یعنی: از جانب خود می‌گویی؟) حضرت فرمود: «از طرف خدا و رسولش است. آیا چنین مسئله بزرگی بدون امر خداوند می‌شود؟ و نیز فرمودند: «آری حق است از طرف خدا و رسولش که علی، امیرالمؤمنین است».

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) دستور دادند تا زنان هم با آن حضرت بیعت کنند و به عنوان «امیرالمؤمنین» سلام کنند و به حضرتش تبریک و تهنیت بگویند و این دستور را در باره همسران خویش مؤکد داشتند.

برای این منظور دستور دادند تا طرف آبی آوردند و پرده ای بر روی آن زدند بطوری که زنان در آن سوی پرده با قراردادن دست خود در آب و قراردادن امیرالمؤمنین (علیه السلام) دست خود را در سوی دیگر با آن حضرت بیعت کنند و بدین صورت بیعت زنان هم انجام گرفت برنامه بیعت تا سه روز ادامه داشت و این مدت را حضرت در غدیر اقامت داشتند و به این ترتیب همه جمعیت از مرد و زن بدون استثناء با امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیعت کردند.

پیامبر در این مراسم عمامه خود را که سحاب نام داشت، به عنوان تاج افتخار بر سر امیرالمؤمنین (علیه السلام) بستند و انتهای عمامه را بر دوش آن حضرت قرار دادند.

در مراسم سه روزه غدیر حسّان بن ثابت شاعر بزرگ عرب هم حضور داشت و با اجازه پیامبر اولین غدیری را که همانجا سروده بود در مقابل همه حضار قرائت کرد.

همچنین حاضرین پس از خطبه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مردی زیبا صورت و خوشبوی را دیدند که در کنار مردم ایستاده بود و می گفت :

« به خدا قسم روزی مانند امروز هرگز ندیدم . چقدر کار پسر عمویش را مؤکد نمود، و برای او پیمانی بست که جز کافر به خداوند و رسولش آن را بر هم نمی زند . وای بر کسی که پیمان او را بشکنند». در اینجا عمر نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آمد و گفت : شنیدی این مرد چه گفت؟! حضرت فرمود آیا او را شناختی؟! گفت نه حضرت فرمود : « او روح الامین جبرئیل بود . تو مواظب باش این پیمان را نشکنی ، که اگر چنین کنی خدا و رسول و ملائکه و مؤمنان از تو بیزار خواهند بود!»

### آخرین ساعات غدیر

در آخرین ساعات روز سوم حَرث بنِ نَعْمَانِ فَهْرِي به نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در حالی که بر روی شتر خودسوار بود آمد، تا به اَبْطَح رسید و از شتر خود پیاده شد و شتر را خوابانید ، آنگاه به پیغمبر گفت : یا محمد! تو از جانب خداوند ما را امر کردی که شهادت دهیم : جز خداوند معبودی نیست ، و اینکه تو فرستاده و پیامبر از جانب خدایی! و ما اینها را قبول کردیم و پذیرفتیم! و تو ما را امر کردی که در پنج نوبت نماز بخوانیم ، و ما پذیرفتیم! و تو ما را امر نمودی که زکات اموال خود را بدهیم و ما پذیرفتیم! و تو ما را امر کردی که یک ماه روزه بگیریم ، و ما پذیرفتیم! و تو ما را امر کردی که حج انجام دهیم و ما پذیرفتیم! و پس از اینها به اینها راضی و قانع نشدی تا آنکه دو بازوی پسر عمویت را گرفته و برافراشتی ، و او را بر ما سَرَوْرِي و آقایی دادی و گفتی : مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ أَيَا این کاری که کردی از جانب خودت بود ، و یا از جانب خداوند عزوجل!؟

پیغمبر فرمود: سوگند به آن که جز او خداوندی نیست ، این از جانب خدا بوده است! حرث بن نعمان ، پشت کرد و به سوی شتر خود می رفت و می گفت : « بار پروردگارا اگر آنچه را که محمد می گوید ، حق است ، سنگی از آسمان بر ما بیار ، و یا آنکه عذاب دردناکی برای ما بفرست .»

حرث بن نعمان ، هنوز به شتر خود نرسیده بود که خداوند سنگی از آسمان بر او زد ، و آن سنگ بر سرش خورد ، و از دُبْرَش خارج شد ، و او را کشت ؛ و خداوند عزوجل این آیه را فرستاد : سَلِّ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ - لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ - مِنْ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ .<sup>۱</sup>

« درخواست کننده ای از عذاب روز قیامت که حتما واقع شدنی است پرسش کرد ؛ آن عذابی که برای کافران است و هیچ امری جلوی آن را نمی تواند بگیرد و آن عذاب از خداوند است که مالک درجات و طبقات آسمانهاست «آری کسی که منکر ولایت آن حضرت باشد با وجود علم ، در برابر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) مستحق چنین نکال و نعمتی است ، زیرا که او منکر اصالت و واقعیت تشریح و تکوین است و لایق بوار و نابودی .

۱- (سوره معارج آیات ۱ تا ۳)

باری بدین ترتیب پس از سه روز مراسم غدیرپایان پذیرفت و آن روزها به عنوان «ایامُ الولاية» در ذهنها نقش بست. خیر واقعه غدیر در شهرها منتشر شد و به سرعت شایع گردید و به گوش همگان رسید و بدون شک توسط مسافران و ساربانان و بازرگانان تا اقصی نقاط عالم آن روز یعنی ایران و روم و چین پخش شد و غیر مسلمانان هم از آن با اطلاع شدند. لذا افراد مُنصف و عاشقِ هدایت، به دنبال آگاهیِ اکمل، از آنچه اتفاق افتاده بود حرکت کرده و پرسش مینمودند؛ اما دستهای شیطانی و مرموز دشمنان اسلام با تمام قدرت برای مقابله با این حقیقت، کمر بسته بودند و نمی خواستند امتهای دیگر از حقیقت جریان آگاه شوند.

از جمله کعب الأخبار یهودی که برخی او را اولین «صهیونی» می دانند با خدعه و نیرنگ در زمان خلیفه دوم خود را مسلمان معرفی کرد و به اسلام تظاهر نمود و از هیچ تلاشی برای نابودی اساس اسلام دریغ نکرد.

یکی از جنایات او در تاریخ وسوسه برای جابجائی غدیر به عرفه بوده است. او به خلیفه دوم گوشزد کرد که اگر امتهای غیر امت اسلام از حقیقت غدیر آگاه شوند آن را عید میگیرند و بر آن اتفاق و اجتماع پیدا میکنند.

- در کتاب الدر المنثور ج ۲ ص ۲۵۸ وارد است که: أخرج ابن جریر عن قبيضة بن أبي ذؤيب قال قال كعب لو ان غير هذه الامّة نزلت عليهم هذه الآية ل نظرُوا اليوم الذي أنزلت فيه عليهم فاتخذوه عيداً يجتمعون فيه فقال عمر و أی آية یا كعب فقال اليومُ أكملتُ لكمُ دينکمُ فقال عمر لقد علمت اليوم الذي أنزلت و المكان الذي نزلت فيه نزلت فی يوم جمعة و يوم عرفة و كلاهما بحمد الله لنا عید-.

این صحبتها از جمله مسائلی بود که باعث شد خلیفه دوم آیه اليوم اکملت لكم دينکم، که بدون هیچ شکی راجع به روز عید غدیر و واقعه نصب علنی مولانا امیر المؤمنین علی (علیه السلام) به عنوان خلیفه بلا فصل و امام واجب الإطاعة، است را به روز عرفه تحریف و معرفی کند و مردم را به انحرافی دیگر بکشاند.

ابن راهویه و عبد بن حمید، از ابو العالیة با این لفظ روایت کرده اند که: در نزد عمر بودند و سخن از این آیه (آیه اِکمال) به میان آمد؛ مردی از اهل کتاب گفت: اگر ما می دانستیم در چه روزی این آیه نازل شده است آنرا عید می گرفتیم. عمر گفت: الحمد لله الذي جعله لنا عيداً و اليوم الثاني، نزلت يوم عرفة و يوم الثاني النحرُ فأكمل لنا الأمر فعلمنا أن الأمر بعد ذلك في انتقاص.

«حمد خداوند راست که آنرا برای ما عید گردانید؛ و روز دوم را. این آیه در روز عرفه نازل شد و روز دومش روز عید قربان بود. خداوند امر را برای ما کامل کرد، و ما دانستیم که از این به بعد این امر رو به نقصان است.»

باری این توطئه بدنال توطئه ها و خیانت های قبلی منافقین و با خدعه و نیرنگ کعب الأخبار یهودی صورت گرفت و افرادی را به گمراهی کشانید.

آیا خلیفه دوم این آیه را نخوانده است که: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

چرا که اولاً خدای سبحان در این آیات مؤمنین را از اینکه یهود و نصارا را اولیای خود بگیرند، بر حذر داشته و ثانیاً با شدیدترین لحن تهدیدشان می‌کند که در صورت عدم اطاعت از امر خدا شما هم از همانها خواهید بود و إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ، فتنبّر.

### صحیفه ملعونه اول

در راه بازگشت به طرف مدینه امضاء کنندگان صحیفه ملعونه اول و دیگر منافقین در یک گروه چهارده نفری نقشه قتل پیامبر را کشیدند و تا مرحله اجراء هم پیش رفتند ولی به إذن خدا و معجزه الهی نتوانستند موفق شوند و خداوند آنها را رسوا کرد.

داستان از این قرار بود که: دو نفر از منافقین در یک تصمیم اساسی با هم پیمانی بستند ، و آن این بود که :اگر محمد از دنیا رفت یا کشته شدندگذاریم خلافت و جانشینی او در اهل بیتش مستقر شود. سه نفر دیگر هم در این تصمیم با آنها هم پیمان شدند، و اولین قرارداد و معاهده را در کنار کعبه بین خود امضاء کردند ، و آن را داخل کعبه زیر خاک پنهان نمودند تا سندی برای التزام عملی آنان به پیمانشان باشد. یکی از این سه نفر معاذ بن جبل بود، او گفت « شما مسئله را از جهت قریش حل کنید ، و من در باره انصار ترتیب امور را خواهم داد »!

از آنجا که « سعد بن عبادة » رئیس کل انصار بود و او کسی نبود که با ابوبکر و عمر هم پیمان شود ، لذا معاذ بن جبل سراغ بشیر بن سعید و اسید بن حضیر که هر کدام بر نیمی از انصار یعنی دو طایفه «اوس » و «خزرج» نفوذ و حکومت داشتند آمد و آن دو را با خود بر سر غضب خلافت هم پیمان نمود .

### توطئه قتل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

نقشه قتل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) یکبار در جنگ تبوک و چند بار بوسیله سم و بارها به صورت ترور تدارک دیده شده بود که همه نقش بر آب شد .

اما در حجة الوداع همان پنج نفر اصحاب صحیفه با نه نفر دیگر ، برای بار دیگر نقشه دقیقتری برای قتل حضرت در راه بازگشت از مکه به مدینه کشیدند ، و یکی از علت‌های این اقدامشان آن بود که قبل از اعلان خلافت علی بن ابیطالب (علیه السلام) آن حضرت را به قتل برسانند تا براحتی به مقاصد خود دست یابند - لذا کما اینکه گفته شد قسمتی از کاروان که از منافقین تشکیل یافته بود جلوتر حرکت می‌کرد - ولی قبل از رسیدن به محل توطئه دستور الهی نازل شد و مراسم غدیر انجام شد ؛ اگر چه آنان از نقشه ها و توطئه های خود باز نایستادند .

نقشه چنین بود که در محل از پیش تعیین شده ای در قله کوه «هرشی » کمین کنند ، و با توجه به اینکه اکثر مردم کوه را دور می زدند و به سربالایی نمی آمدند ، همین که شتر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سربالائی کوه را پیمود و در سرازیری

قرار گرفت ، سنگهای بزرگی را به طرف شتر حضرت رها کنند تا به شتر برخورد کند یا برآمد و با حرکات ناموزون حضرت را بر زمین بزند ، و آنان با استفاده از تاریکی شب به حضرت حمله کنند و در نتیجه قتل حضرت بطور یقینی انجام گیرد. سپس متواری شوند و خود را داخل مردم پنهان نمایند تا شناخته نشوند .

### **خُنْثی شدن توطئه قتل حضرت**

خداوند تعالی پیامبرش را از این توطئه آگاه ساخت و وعده حفظ او را داد . منافقین در گروه چهارده نفری خود پیشاپیش قافله رفتند و در محل موعود که پایان سربالائی قلّه هِرشِی و آغاز سرایشی کوه بود در ظلمت شب حاضر شدند و شترهای خود را در کناری خوابانیدند . سپس پشت صخره ها ، هفت نفر در سمت راست جاده و هفت نفر در سمت چپ جاده به کمین نشستند . این در حالی بود که ظرفهای بُشکه مانند بزرگی را نیز همراه خود برده بودند و آنها را پر از ریگ و شن کرده بودند تا برای رماندن شتر، آنها را از پشت سر در سرایشی کوه رها کنند .

همین که شتر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به قله کوه رسید و خواست راه را به سمت پایین در پیش گیرد ، منافقین سنگهای بزرگ و ظرفهای پر از شن را که بالای پرتگاه قرار داده بودند رها کردند. سنگها به طرف شتر حضرت به حرکت درآمد و نزدیک بود به شتر اصابت کند و یا مرکب حضرت برآمد . پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با یک اشاره به شتر فرمان توقف دادند و این در حالی بود که حذیفه و عمار ، یکی افسار شتر حضرت را در دست داشت و دیگری از پشت سر شتر را راهنمایی می کرد .

با توقف شتر سنگها رد شده به سمت پایین کوه رفتند و حضرت سالم ماندند منافقین که از اجرای دقیق نقشه مطمئن بودند از کمینگاهها بیرون آمدند و با شمشیرهای آخته به حضرت حمله کردند تا کار را تمام کنند . ولی عمار و حذیفه شمشیرها را کشیدند و با آنان درگیر شدند، تا بالأخره آنان را فراری دادند . منافقین به پشت سنگها پناه آوردند و با استفاده از تاریکی شب هر یک به گوشه ای خزیدند تا پس از فاصله گرفتن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر سر شترهای خود روند و به قافله ملحق شوند.

برای آنکه نسلهای آینده بدانند روسای منافقین در آن روز چه کسانی بودند و بسیاری از توطئه های بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را براحتی تحلیل کنند ، در همان تاریکی شب حضرت اشاره ای فرمودند و ناگهان نوری تابید و فضا را برای لحظاتی روشن ساخت . حذیفه و عمار چهره های چهارده نفر را که در این سو و آن سوی سنگها پنهان شده بودند به چشم خود دیدند و حتی شترانشان را دیدند که در گوشه ای خوابانیده بودند. این چهارده نفر عبارت بودند از : ابوبکر ، عمر ، عثمان ، معاویه ، عمرو عاص ، طلحة ، سعد بن ابی وقاص ، عبدالرحمان عوف ، ابو عبیده بن جراح ، ابو موسی اشعری ، ابوهریره ، مغیره بن شعبه ، معاذ بن جبل ، سالم مولی ابی حذیفه . پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مأمور بود با آنان درگیر نشود ، زیرا در آن شرایط حساس فتنه ای پیاپی شد و زحمات گذشته در معرض خطر قرار می گرفت

فردا صبح که نماز جماعت برپا شد همین چهارده نفر در صف های اول جماعت دیده شدند!! و حضرت سخنانی فرمود که اشاره به آنان بود. از جمله فرمود: «چه شده است گروهی را که در کعبه هم قسم شده اند، که اگر محمد از دنیا رفت یا کشته شد، هرگز نگذارند خلافت به اهل بیتش برسد»!!؟

بهر حال این مقدار از وقایع مربوط به غدیر را عرض کردیم تا با مختصری از اقدامات پیامبر در مورد غدیر و چگونگی داستان غدیر و حج پیامبر آشنا شویم و ان شاء الله روز به روز آشنایی و معرفت ما و عملکرد ما نسبت به عید غدیر خم و ولایت اول مظلوم عالم بهتر و قوی تر گردد. «انتهی»\*\*

## برخی از آیات مربوط به عید غدیر خم

قال الله الحكيم في كتابه الكريم:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾<sup>١</sup>

«ای پیغمبر! برسان و تبلیغ کن به مردم آنچه را که از جانب پروردگارت به تو نازل شده است! و اگر نرسانی، رسالت پروردگارت را نرسانده‌ای! و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند، و خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند!».

همانگونه که در اول عرض شد این تهدید شدید الهی به پیامبر از جانب خداوند، درباره غدیر خم و نصب مولی الموالی حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام به مقام ولایت و امامت و خلافت بلافضل رسول الله و معرفی ایشان به عموم مردم بوده است و با نزول این آیه مراسم سه روزه عید بزرگ غدیر خم آغاز شد.

### نقل خاصه

عبّاشی از ابو صالح، از ابن عباس و جابرین عبد الله آورده است که: این دو صحابی گفتند: خداوند تعالی پیغمبرش محمد را امر کرد که علی را به عنوان علم و آیت در بین مردم نصب کند. تا آنکه مردم را از ولایت او با خبر سازد. رسول خدا ترسید که مردم بگویند: از پسر عموی خود دفاع می‌کند؛ و در این مسئله طغیان کنند. خداوند وحی فرستاد: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ؛ در اینصورت رسول خدا (ص) برای ولایت او در غدیر خم قیام کرد.<sup>٢</sup>

١- (سوره مائده آیه ٦٧)

٢- {«تفسیر عبّاشی»، ج ١ ص ٣٣١ و ص ٣٣٢؛ و «بحار الانوار» ج ٩، ص ٢٠٧؛ و «تفسیر برهان» ج ١، ص ٤٨٩ و «غایة المرام» ج ١، ص ٣٣٤ حدیث چهارم، و «المیزان» ج ٦، ص ٥٤ و ص ٥٥، و «تفسیر مجمع البیان» ط صیدا ج ٢، ص ٢٢٣. و در «کشف الغمّه» ص ٩٤ حدیث غدیر را با شأن نزول آیه تبلیغ و ابیات حسان بن ثابت، از ابن عباس نقل کرده است}

## نقل عامه

ابن ابی حاتم، و ابن مردویه، و ابن عساکر، از ابو سعید خدری تخریج کرده‌اند که: این آیه: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) در روز غدیر خم راجع به علی بن ابی طالب نازل شد.

و ابن مردویه از ابن مسعود تخریج کرده است که: ما در زمان رسول خدا (ص) آیه را اینطور قرائت می‌نمودیم: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ (ان علیا مولی المؤمنین) وَ إِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ.<sup>۱</sup>

قال الله الحكيم في كتابه الكريم:

﴿الْيَوْمَ يَيسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾<sup>۲</sup>

«امروز ناامید شده‌اند آنانکه کافر شده‌اند از دین شما! پس بنابراین از آنها مترسید و از من بترسید! در امروز من دین شما را برای شما کامل کردم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و پسندیدم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد»

## نقل خاصه

عبّاشی از حضرت صادق علیه السلام درباره تفسیر این آیه روایت کرده است که فرمودند:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ دِينَكُمْ بِإِقَامَةِ حَافِظِهِ، وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي بَوَالِيتِنَا، وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا، أَيُّ تَسْلِيمِ النَّفْسِ لِأَمْرِنَا. «امروز دین شما را با نصب کردن و بر پا داشتن حافظ آن کامل کردم، و نعمت خودم را بر شما به ولایت ما: أهل البيت تمام نمودم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد، یعنی تسلیم نفوس شما برای اوامر ما دین شما باشد».

و از حضرت باقر و صادق علیه السلام آورده است که: نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ يَوْمَ الْغَدِيرِ. وَقَالَ يَهُودِيُّ لِعُمَرَ: لَوْ كَانَ هَذَا الْيَوْمَ فِينَا لَاتَّخَذْنَاهُ عِيدًا. فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: وَأَيُّ يَوْمٍ أَكْمَلُ مِنْ هَذَا الْعِيدِ؟

«این آیه در روز غدیر نازل شد، و یک مرد یهودی به عمر گفت: اگر این

روز در میان ما بود ما آنرا عید می‌گرفتیم. ابن عباس گوید: و کدام روزی از این عید کاملتر است؟»<sup>۳</sup>

۱- «تفسیر الدر المنثور» ج ۲، ص ۲۹۸.

۲- (سوره مائده آیه ۳)

۳- «مناقب ابن شهر آشوب»، ج ۱، طبع سنگی، ص ۵۲۷ و ص ۵۲۸.



## نقل عامه

حاکم حسکانی با سند متصل خود، از ابی هارون عبّدی، از ابی سعید خُدّری روایت کرده است که چون آیه: **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ** بر رسول خدا نازل شد قال: **الله اكبر (على) اكمال الدين و اتمام النعمة و رضی الرب برسالتی و ولایة علی بن ابی طالب من بعدی.** ثم قال: **من كنت مولاه فعلى مولاه.** اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه، و انصر من نصره، و اخذل من خذله.<sup>۱</sup>

«پیامبر گفت: **الله اكبر** بر کامل کردن دین، و تمام نمودن نعمت، و رضایت پروردگار به رسالت من و به ولایت علی بن ابی طالب پس از من. و سپس گفت: کسی که من ولایت او را دارم علی ولایت او را دارد. بار پروردگار من! تو ولایت آن که را داشته باش که او ولایت علی را دارد! و دشمن باش با کسی که او علی را دشمن دارد! و یاری کن آن که را که علی را یاری کند، و خوار کن کسی را که علی را خوار کند.»

و حاکم حسکانی نیز با سند دیگر خود از ابو هُرَیْرَةَ روایت کرده است که قال: **مَنْ صَامَ ثَمَانِيَةَ عَشْرٍ [ثامن عشرة صحيح است] مِنْ ذِي الْحِجَّةِ كَتَبَ لَهُ صِيَامُ سِتِّينَ شَهْرًا، وَ هُوَ يَوْمٌ غَدِيرِ خُمٍّ لَمَّا اخَذَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ: أَلَسْتُ وَليُّ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ! فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ. فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: بَخُّ لَكَ يَا بَنَ ابِي طَالِبٍ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ. وَ أَنْزَلَ اللهُ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي**<sup>۲</sup>

«هر کس روز هجدهم ماه ذو الحجّة را روزه بگیرد ثواب شصت ماه روزه برای او نوشته می‌شود، و آن روز، روز غدیر خم است که چون پیامبر دست علی را گرفت و گفت: آیا من ولیّ مؤمنین نیستم؟!»

گفتند: آری ای رسول خدا! پیامبر فرمود: هر کس که من مولای اویم علی مولای اوست.

عمر بن خطاب گفت: به به آفرین آفرین بر تو ای پسر ابی طالب! صبح کردی در حالی که مولای من و مولای هر مرد مؤمنی هستی! و خداوند این آیه را فرستاد: **اليوم أكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي**».

۱- {«شواهد التنزيل» ج ۱، حدیث ۲۱۱، ص ۱۵۷}.

۲- {«شواهد التنزيل» ج ۱، حدیث ۲۱۳، ص ۱۵۸}.

قال الله الحكيم في كتابه الكريم:

﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ ﴿١﴾ لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ﴿٢﴾ مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴿٣﴾﴾<sup>١</sup>

«درخواست کننده‌ای از عذاب روز قیامت که حتماً واقع شدنی است پرسش کرد، آن عذابی که برای کافران است، و هیچ امری جلوی آن را نمی‌تواند بگیرد، و آن عذاب از خداوند است که مالک درجات و طبقات آسمان‌هاست (آن عذابی که بر حارث بن نعمان فهری، و یا بر جابر بن نصر بن حارث بن کلد، بوسیله سنگی از آسمان فرود آمد، و او را به علت اعتراض به رسول خدا، در نصب علی بن ابی طالب علیه السلام بر خلافت و ولایت، هلاک کرد).»

### نقل عامه

ثعلبی ابو اسحاق نیشابوری در تفسیر الکشف و البیان گوید که: چون سائلی از سفیان بن عیینه از تفسیر گفتار خداوند عز و جل: سئل سائل بعذاب واقع، و شان نزول آن سؤال کرد که درباره چه کسی نازل شده است؟ او در پاسخ گفت: از مسئله‌ای از من سؤال کردی که هیچکس پیش از تو درباره این مسئله از من چیزی نپرسیده است:

پدرم حدیث کرد برای من از جعفر بن محمد، از پدرانش - صلوات الله علیهم که: چون رسول خدا در غدیر خم بود، مردم را ندا کرده و فرا خواند، و مردم جمع شدند، آنگاه دست علی را گرفت و گفت: من کنت مولاه فعلی مولاه، این گفتار شیوع پیدا کرد، و همه جا پیچید و به شهرها رسید، و از جمله به حرث بن نعمان فهری رسید، و به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله، در حالی که بر روی شتر خود سوار بود، آمد، و تا به ابطح رسید، و از شتر خود پیاده شد، و شتر را خوابانید، آنگاه به پیغمبر گفت: یا محمد! تو از جانب خداوند ما را امر کردی که شهادت دهیم: جز خداوند معبودی نیست، و اینکه تو فرستاده و پیامبر از جانب خدائی! و ما اینها را قبول کردیم و پذیرفتیم! و تو ما را امر کردی که در پنج نوبت نماز بخوانیم، و ما پذیرفتیم! و تو ما را امر نمودی که زکات اموال خود را بدهیم، و ما پذیرفتیم! و تو ما را امر کردی که یک ماه روزه بگیریم، و ما پذیرفتیم! و تو ما را امر کردی که حج انجام دهیم، و ما پذیرفتیم! و پس از اینها به اینها راضی و قانع نشدی، تا آنکه دو بازوی پسر عمویت را گرفته، و برافراشتی، و او را بر ما سروری و آقائی دادی و گفتی: من کنت مولاه فعلی مولاه.

آیا این کاری که کردی از جانب خودت بود، و یا از جانب خداوند عز و جل؟!!

پیامبر فرمود: سوگند به آن که جز او خداوندی نیست، این از جانب خدا بوده است!

حرث بن نعمان، پشت کرد و به سوی شتر خود می‌رفت و می‌گفت: اللهم ان كان ما يقول محمد حقا فامطر علينا حجارة من السماء او ائتنا بعذاب الیم «بار پروردگارا اگر آنچه را که محمد می‌گوید، حق است، سنگی از آسمان بر ما ببار، و یا آنکه عذاب دردناکی برای ما بفرست.»

حرث بن نعمان، هنوز به شتر خود نرسیده بود که خداوند سنگی از آسمان بر او زد، و آن سنگ بر سرش خود، و از دبرش خارج شد، و او را کشت، و خداوند عز و جل این آیه را فرستاد: سئل سائل بعذاب واقع - الآيات.<sup>٢</sup>

١- (سوره معارج آیه ١ تا ٣)

٢- {الغدیر} ج ١، ص ٢٤٠، و در «مجالس المؤمنین» در مجلس اول، از ثعلبی به نقل «تفسیر أبو الفتح» ذکر کرده است.

سبط ابن جوزی همین روایت را از تفسیر ثعلبی، به همین کیفیت روایت کرده است، و در جواب رسول خدا به حرث بن نعمان بدین عبارت آورده است که:

و قال رسول الله صلى الله عليه وآله و قد احمرت عيناه: و الله الذي لا اله الا هو انه من الله و ليس منى. قالها ثلاثا.<sup>۱</sup>  
«رسول خدا در حالیکه دو چشمشان از غضب قرمز شده بود، گفتند: سوگند به خداوندی که هیچ معبودی جز او نیست، از جانب خدا بوده است. و این سوگند را رسول خدا سه بار تکرار کردند.»

قال الله الحكيم في كتابه الكريم:

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾ (سوره قلم آیه ۵۱)

«و نزدیک بود که آنان که کافر شده‌اند ای پیغمبر تو را با چشمهایشان بزنند چون ذکر نازل از خدا را شنیدند، و می‌گفتند که: حقا او دیوانه است. در حالی که وحی قرآنی جز یاد و تذکری برای عالمیان چیزی نیست.»

شیخ طوسی در «تهذیب» با اسناد خود از حسان جمال روایت می‌کند که گفت: من حضرت صادق علیه السلام را از مدینه به مکه حمل می‌دادم، چون به مسجد غدیر رسیدیم نظری به طرف چپ کوه نمود و فرمود: اینجا جای پای رسول خدا صلی الله علیه و آله است در آن وقتی که می‌گفت: من كنت مولاة فعلى مولاة، اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه. و پس از آن نظری به جانب دیگر کرد و گفت: اینجا جای چادر ابو فلان، و فلان، و سالم مولی ابی حذیفه، و ابو عبیده جراح است که چون پیغمبر را دیدند که دست خود را بلند کرده است، بعضی از ایشان گفتند: به چشمانش نگاه کنید، ببینید چگونه مانند دو چشم شخص دیوانه در گردش است! و جبرائیل این آیه را آورد:

و ان يكاد الذين كفروا ليزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذكر و يقولون انه لمجنون و ما هو الا ذكر للعالمين.

«و نزدیک بود که آنان که کافر شده‌اند ای پیغمبر تو را با چشمهایشان بزنند چون ذکر نازل از خدا را شنیدند، و می‌گفتند که: حقا او دیوانه است. در حالی که وحی قرآنی جز یاد و تذکری برای عالمیان چیزی نیست.» سپس حضرت صادق فرمود: ای حسان! اگر تو شتربان من نبودی تو را به این حدیث، حدیث نمی‌کردم.<sup>۲</sup>

۱- {تذكرة خواص الأمة} ص ۱۹.

۲- {غاية المرام} ص ۹۲، حدیث شانزدهم.

قال الله الحكيم في كتابه الكريم:

«وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ - نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ - لَتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ»<sup>۱</sup>

«این قرآن کتابی است که از ناحیه پروردگار جهانیان نازل شده- و آن را روح الامین نازل کرده- به قلب تو تا از بیم دهندگان باشی»

در تفسیر قمی چنین آمده :

وَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ حَسَّانَ [حَنَانٍ] عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ - نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ - لَتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ قَالَ: الْوَلَايَةُ نَزَلَتْ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْغَدِيرِ<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام در مورد قول خداوند متعال که میفرماید: «این قرآن کتابی است که از ناحیه پروردگار جهانیان نازل شده- و آن را روح الامین نازل کرده- به قلب تو تا از بیم دهندگان باشی» فرمودند : منظور ولایت است که در روز غدیر برای امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شد

قال الله الحكيم في كتابه الكريم:

«وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ - فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۳</sup>

«ابلیس وعده خود را در باره آنان عملی کرد،- او را پیروی کردند، مگر طایفه‌ای از مؤمنان»

در تفسیر قمی آمده :

فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ أَنْ يَنْصِبَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلنَّاسِ فِي قَوْلِهِ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ» فَجَاءَتْ الْأَبَالِسَةُ إِلَى إِبْلِيسَ الْأَكْبَرِ - وَحَشَا التُّرَابَ عَلَى رُءُوسِهِمْ فَقَالَ لَهُمْ إِبْلِيسُ مَا لَكُمْ فَقَالُوا إِنَّ هَذَا الرَّجُلَ قَدْ عَقَدَ الْيَوْمَ عَقْدَةً - لَا يَحُلُّهَا شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَقَالَ لَهُمْ إِبْلِيسُ كَلَّا إِنَّ الَّذِينَ حَوْلَهُ - قَدْ وَعَدُونِي فِيهِ عِدَّةً لَنْ يُخْلِفُونِي، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ «وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ» الْآيَةَ<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند : زمانی که خداوند متعال در آیه «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک» در مورد علی و در وادی غدیر خم به پیامبر دستور داد که امیرالمؤمنین علیه السلام را برای مردم منصوب نماید پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هر کس که من صاحب اختیار و ولی او هستم پس این علی صاحب اختیار و ولی اوست» در این هنگام شیاطین به سوی شیطان بزرگتر آمدند در حالی که بر سر خود خاک می پاشیدند پس ابلیس به آنها گفت شما را چه شده است؟! گفتند : بدرستی که این مرد امروز عقد و پیمانی را به بهترین نحو ، محکم نمود که تا روز قیامت هیچ چیز آن را باز نمیکند ؛ پس ابلیس به ایشان گفت : هرگز ، بدرستی که کسانی که اطراف او هستند در

۱- (آیه ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴، از سوره شعراء)

۲- {تفسیر قمی، ج ۲، ص: ۱۲۴}

۳- (آیه ۲۰، از سوره سبأ)

۴- {تفسیر قمی، ج ۲، ص: ۲۰۱}

مورد مخالفت با رسول الله به من وعده خاص و محکمی داده اند و هرگز اینها خلاف وعده من نمیکنند؛ پس این آیه بر رسول خدا نازل شد: «وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ»<sup>۱</sup> آیه .

قال الله الحكيم في كتابه الكريم:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿۸۶﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»<sup>۱</sup>.

«این است و جز این نیست که ولی شما خداست و رسول خدا و کسانی که ایمان آورده؛ اقامه نماز می‌کنند؛ و در حال رکوع آداء زکات می‌نمایند. و هر کس که ولایت خدا و رسول خدا و مؤمنان را بپذیرد، پس حقاً، حزب خدا غلبه کنندگانند.»

اجماع شیعه، چه از مفسرین آنها، و چه از روایات و محدثین آنها، و چه در کتبی که در فضائل و مناقب و تواریخ آورده‌اند، این است که: حضرت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام در حال رکوع در نماز به فقیری که در مسجد سؤال می‌کرد، انگشتی خود را تصدق داد؛ و رسول خدا در منزل بوده‌اند؛ و این آیه ولایت آن حضرت را جبرائیل فرود آورد؛ و رسول الله با خود قرائت می‌کرده‌اند، تا با جمعی از اصحاب که به در مسجد رسیدند، پرسیدند: آیا کسی در حال رکوع نمازش تصدق داده است؟! سائل انگشتی را به رسول الله نشان داد و گفت: این است آن صدقه‌ای که آن مرد که مشغول نماز خواندن است. در حال رکوع به من بخشید؛ و من از دست او بیرون آوردم، در این صورت صدای اصحاب به تکبیر بلند شد؛ و رسول خدا حمد و سپاس او را بجای آورد، که تعیین مقام ولایت، پس از خدا و رسول او به امیر المؤمنین شده است.

از اتفاق و اجماع شیعه بگذریم، بسیاری از نقل عامه، این موضوع را در تفاسیر و کتب خود آورده، و از نقطه نظر سند و اعتبار تاریخی از مسلمیات می‌دانند؛ و مِنْ حَيْثُ الْمَجْمُوعُ كَسَى كَيْفَ اَهْلُ تَتَبَعَ وَ دَقَّتْ بَاشِدْ، در شان نزول این آیه مبارکه، درباره ولایت علی بن ابی طالب هیچگونه تردیدی نخواهد داشت.

این آیه، ولایت و امامت بلافضل امیر المؤمنین را به طور اطلاق و بدون قید و شرطی اثبات می‌کند، و از جمله آیات واضحی برای این مطلب محسوب می‌گردد. زیرا ولایت آن حضرت را در ردیف و در رتبه ولایت خدا و رسولش قرار می‌دهد؛ و معلوم است که ولایت امر واحدی است که برای خداوند، بالأصله؛ و برای غیر او بالتبع است. و از اینجا روشن می‌شود که آن حضرت مانند رسول الله، به کمال درجات قرب فائز گردیده، و از چشمه ماء معین توحید مطلق و عرفان محض حضرت حق اشراب شده‌اند؛ و بنابر این سیطره و احاطه تکوینی و تشریحی او نسبت به مردم، بر اساس قابلیت و فعلیت وصول و اندکاک در ذات حق؛ و متجلی شدن به جمیع اسماء و صفات جمالی و جلالیه اوست.

۱- (آیه ۵۵ و ۵۶، از سوره مائده)

ابن شهر آشوب گوید: امت اسلام اجماع کرده‌اند بر این که: این آیه درباره علیّ علیه السلام چون در رکوع نمازش، انگشتی خود را به صدقه داد، نازل شده است؛ و در این مسئله خلافتی بین مفسران قرآن نیست. نُعَلْبِيّ و مَاوَرْدِيّ و قُسَيْرِيّ و قَزْوِينِيّ و رَازِيّ و نَيْشَابُورِيّ و فَلَکِيّ و طُوسِيّ و طَبْرِيّ در تفاسیر خود از سَدِّيّ و مُجَاهِد و حَسَن و أَعْمَش و عُتْبَةُ بنِ أَبِي حَكِيم و غَالِبِ بنِ عَبْدِ اللَّهِ و قَيْسِ بنِ رَبِيع و عَبَّاسِ بنِ عَبْدِ اللَّهِ بنِ عَبَّاس و أَبُو ذَرٍّ غِفَّارِيّ این مطلب را ذکر کرده‌اند.

و همچنین ابْنُ البَيْعِ در کتاب «مَعْرِفَةُ الْأَصُول» از عبد الله عبید الله بن عُمَر بن علیّ بن ابی طالب؛ و وَاحِدِيّ در کتاب «أَسْبَابُ نَزُولِ الْقُرْآن» از کلبی، از صالح، از ابن عباس؛ و سَمْعَانِيّ در کتاب «فَضَائِلُ الصَّحَابَةِ» از حمید طویل از انس؛ و سَلْمَانُ بنِ أَحْمَد در «مُعْجَمِ أَوْسَط» خود از عَمَّار؛ و أَبُو بَكْرٍ بَيْهَقِيّ در «مُقْتَفًى» (مُصَنَّفٌ خ ل) و مُحَمَّدٌ فَتَّالُ در کتاب «تَنْوِير» و کتاب «رَوْضَةُ» از عبد الله بن سلام و ابو صالح و شَعْبِيّ و مُجَاهِد و زُرَّارَةُ بنِ أَعِين از مُحَمَّد بنِ عَلِيّ؛ و نَطْرِيزِيّ در کتاب خَصَائِص از ابن عَبَّاس، و أَبَانَةُ از فَلَکِيّ از جابر انصاری و ناصح تمیمی و ابن عَبَّاس و کَلْبِيّ در روایات مختلف اللفظ و متفق المعنی این مطلب را همگی ذکر کرده‌اند.<sup>۱</sup>

---

۱- {امام شناسی ج ۵ ص ۲۰۱ تا ۱۹۹ تألیف حضرت علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی (رحمة الله علیه)}

## برخی روایات در اهمیت و عظمت عید بزرگ غدیر خم

۱- در «معانی الأخبار» ص ۳۷۱ از محمد بن حسن قطن، از عبد الرحمن بن محمد حسینی، از محمد بن ابراهیم بن محمد فزاری، از عبد الله بن بحر اهوازی، از ابو الحسن علی بن عمرو، از حسن بن محمد بن جمهور، از علی بن بلال، از حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام، با همان سند، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، از جبرئیل از میکائیل از اسرافیل از لوح از قلم روایت کرده است که:

يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: وَ لَآيَةَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ نَارِي.

«خداوند تبارک و تعالی می گوید: ولایت علی بن ابی طالب صلوات الله علیه قلعه من است و هر کس داخل در قلعه من گردد، از آتش من در امان است.»

این حدیث را در «جواهر السنّة» ص ۲۲۵ از صدوق در «أمالی» نقل کرده است؛ ولی راوی حدیث را احمد بن حسن گفته است.»

۲- عَلِيٌّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَنْ جَبْرَائِيلَ عَنْ ميكائيلَ عَنْ اسْرَافيلَ عَنِ اللّوْحِ عَنِ القَلَمِ قَالَ يَقُولُ اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: وَ لَآيَةَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي

حضرت امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام)، از پدرش، از پدرانش، از علی بن ابی طالب (علیه السلام)، از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، از جبرئیل، از میکائیل، از اسرافیل، از لوح، از قلم گفت: خداوند عز و جل می فرماید: «ولایت علی بن ابی طالب قلعه من است، پس هر کس داخل در قلعه من گردد، از عذاب من در امان است.»<sup>۱</sup>

۳- فرات بن ابراهیم کوفی از محمد بن ظهیر، از عبد الله بن فضل هاشمی، از حضرت امام جعفر صادق از پدرش، از پدرانش روایت کرده است که:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ أَفْضَلُ أَعْيَادِ أُمَّتِي وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَمَرَنِي اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ بِنَصْبِ أَخِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلِمًا لَأُمَّتِي يَهْتَدُونَ بِهِ مِنْ بَعْدِي وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ وَ أَتَمَّ عَلَيَّ فِيهِ النُّعْمَةَ وَ رَضِيَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.

«رسول خدا گفت: روز غدیر خم با فضیلت ترین عیدهای امت من است و آن روزی است که خداوند تعالی ذکره، مرا امر کرد به نصب برادرم علی بن ابی طالب را شاخص و پیشوا برای امت، تا به او پس از من هدایت یابند و آن روزی است که خداوند در آن دین را کامل نمود و نعمت را بر امت من تمام کرد و پسندید و راضی شد که اسلام دین آنها باشد.»

۱- (عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۱۳۶ باب ۳۸)

۴- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْحَسَنِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى الْهَمْدَانِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ الْوَاسِطِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَبْدِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ صِيَامُ يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍّ يَعْدِلُ صِيَامَ عُمْرِ الدُّنْيَا إِلَى أَنْ قَالَ وَهُوَ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَ تَعَيَّدَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ عَرَفَ حُرْمَتَهُ وَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ وَ فِي الْأَرْضِ يَوْمَ الْمِيثَاقِ الْمَأْخُودِ وَ الْجَمْعِ الْمَشْهُودِ وَ مَنْ صَلَّى فِيهِ رَكَعَتَيْنِ يَغْتَسِلُ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَزُولَ مِقْدَارَ نِصْفِ سَاعَةٍ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ سُورَةَ الْحَمْدِ مَرَّةً وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ- وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ آيَةَ الْكُرْسِيِّ- وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ- عَدَلَتْ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِائَةَ أَلْفِ حَجَّةٍ وَ مِائَةَ أَلْفِ عُمْرَةٍ وَ مَا سَأَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ حَوَائِجِ الْآخِرَةِ إِلَّا قُضِيَتْ كَأَنَّمَا مَا كَانَتْ الْحَاجَةُ وَ إِنْ فَاتَتْكَ الرَّكَعَتَانِ وَ الدُّعَاءُ قَضَيْتَهَا بَعْدَ ذَلِكَ وَ مَنْ فَطَّرَ فِيهِ مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ فِئَامًا وَ فِئَامًا وَ فِئَامًا فَلَمْ يَزَلْ يَعُدُّ إِلَى أَنْ عَقَدَ بِيَدِهِ عَشْرًا ثُمَّ قَالَ وَ تَدْرِي كَمْ الْفِئَامُ قُلْتُ لَا قَالَ مِائَةَ أَلْفِ كُلِّ فِئَامٍ وَ كَانَ لَهُ ثَوَابٌ مِنْ أَطْعَمَ بَعْدَهَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ فِي حَرَمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سَقَاهُمْ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ وَ الدَّرْهَمُ فِيهِ بِأَلْفِ دَرْهَمٍ قَالَ لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ يَوْمًا أَكْبَرًا مِنْهُ لَا وَ اللَّهِ لَا وَ اللَّهِ لَا وَ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ وَ لِيَكُنْ مِنْ قَوْلِكُمْ إِذَا التَّقِيْتُمْ أَنْ تَقُولُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِهَذَا الْيَوْمِ وَ جَعَلَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدَهُ إِيَّاكُمْ وَ مِيثَاقَنَا الَّذِي وَ اتَّقْنَا بِهِ مِنْ وِلَايَةِ وِلَاةِ أَمْرِهِ وَ الْقُوَامِ بِقِسْطِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاهِلِينَ وَ الْمُكْذِبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ- ثُمَّ قَالَ وَ لِيَكُنْ مِنْ دُعَائِكَ فِي دُبُرِ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ أَنْ تَقُولَ وَ ذَكَرَ دُعَاءً طَوِيلًا.

«علی بن الحسین العبدی گفت : شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمودند : روزه روز غدیر خم معادل روزه عمر دنیا است تا اینکه فرمودند : و روز غدیر خم بزرگترین عید الله است و خداوند متعال پیامبری را مبعوث نموده الا اینکه وظیفه داشته است روز غدیر خم را عید بگیرد و حرمتش را بشناسد و اسم عید غدیر خم در آسمان روز عهد معهود و در زمین روز میثاق مأخوذ و جمع مشهود است و کسی که در روز عید غدیر خم نیم ساعت قبل از زوال خورشید غسل نماید و دو رکعت نماز بخواند ، خدا را می خواند در حالی که در هر رکعت حمد یکمرتبه و قل هو الله احد ، ده مرتبه و آیه الکرسی ، ده مرتبه و انا انزلناه ، ده مرتبه میخواند ، نمازش معدل است نزد خداوند عز و جل با صد هزار حج و صد هزار عمره و از خدا سوال نمی کند حاجتی از حوائج دنیایی و آخرتی را الا اینکه فوراً حاجتش را هر چه بوده برآورده می نماید و اگر این نماز و دعا از تو فوت شد بعد از آن قضا نما و کسی که مؤمنی را در روز عید غدیر خم افطار دهد مثل کسی می ماند که اطعام نماید فئام و فئام و فئام پس همین طور حضرت فئام را تکرار نمودند تا ده انگشت دستشان بسته شد و سپس فرمودند : می دانی فئام چقدر است؟! عرض کردم : نه ؛ حضرت فرمودند : هر فئام صد هزار نفر است



و برای او ثواب کسی است که به عدد فثام ها از پیامبران و صدیقین و شهدا را در حرم الله طعام داده باشد و سیراب نموده باشد آنهم در روز گرسنگی و تشنگی ، و یک درهم در روز عید غدیر خم [خرج نمودن] معادل هزار هزار درهم است ؛ حضرت فرمودند : شاید فکر کنی خداوند متعال روزی را از جهت حرمت و احترام با عظمت تر از روز عید غدیر خم خلق نموده باشد ، نه به الله قسم ، نه به الله قسم ، نه به الله قسم ؛ سپس فرمودند : و باید زمانی که همدیگر را ملاقات می کنید بگویند : حمد و سپاس مختص خداوندی است که ما را بدین روز مکرم و گرامی داشت و ما را از وفا کنندگان به عهد خود که با ما عهد نمود و به میثاق خود که ما را بر آن ملتزم ساخت، از ولایت والیان امرش و بر پادارندگان آئین قسط و عدلش قرار داد و ما را از منکران و رد کنندگان روز دین و پاداش ننمود سپس فرمودند: و باید دعای شما بعد از آن دو رکعت نماز این باشد که بگویند (و حضرت دعایی طولانی را ذکر نمودند).»

**۵-** حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ الْأَشْعَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمْ لِلْمُسْلِمِينَ مِنْ عِيدٍ فَقَالَ أَرْبَعَةٌ أَعْيَادٍ قَالَ قُلْتُ قَدْ عَرَفْتُ الْعِيدَيْنِ وَالْجُمُعَةَ فَقَالَ لِي أَعْظَمُهَا وَأَشْرَفُهَا يَوْمُ الثَّامِنِ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ وَنَصَبَهُ لِلنَّاسِ عِلْمًا قَالَ قُلْتُ مَا يَجِبُ عَلَيْنَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ يَجِبُ عَلَيْكُمْ صِيَامُهُ شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا لَهُ مَعَ أَنَّهُ أَهْلٌ أَنْ يُشْكَرَ كُلَّ سَاعَةٍ وَكَذَلِكَ أَمَرَتِ الْأَنْبِيَاءُ أَوْصِيَاءَهَا أَنْ يَصُومُوا الْيَوْمَ الَّذِي يُقَامُ فِيهِ الْوَصِيُّ يُتَّخَذُونَهُ عِيدًا وَمَنْ صَامَهُ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِ سِتِّينَ سَنَةً.

شیخ صدوق با سند متصل خود از حسن بن راشد از مفضل بن عمر روایت کرده است که: او گفت: از حضرت صادق پرسیدم: مسلمانان چند عید دارند؟ گفت: چهار عید.

گفتم: من عیدین (فطر و اضحی) و جمعه را می دانم.

حضرت گفت: اعظم و اشرف از این اعیاد، روز هجدهم از ذو الحجه است و آن روزی است که رسول خدا، امیر المؤمنین را به عنوان مقتدا و پیشوا و شاخص برای مردم نصب کرد. من گفتم: در آن روز بر ما چه لازم است که انجام دهیم؟ حضرت گفت: لازم است بر شما که روزه بگیرید، شکر الله و حمد الله با آنکه خداوند در هر ساعت سزاوار شکر است. و همچنین انبیاء به اوصیای خود امر می کردند که: روزی را که در آن وصی به وصایت منصوب می شود، عید بگیرند. و کسی که روزه بدارد، افضل است از عمل شصت سال.<sup>۱</sup>

۱- (خصال ج ۱ - ص ۲۸۲ - باب الأربعة)

## ۶- قسمتی از خطبه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در فضیلت غدیر

از مصباح المتجهد شیخ طوسی در خطبه غدیر وارد است که:

إِنَّ هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ الشَّانُ فِيهِ وَقَعَ الْفَرَجُ وَرُفِعَتِ الدَّرَجُ وَوَضَحَتِ الْحُجُجُ وَهُوَ يَوْمُ الْإِيضَاحِ وَالْإِفْصَاحِ عَنِ الْمَقَامِ الصُّرَاحِ وَ يَوْمٌ كَمَالِ الدِّينِ وَ يَوْمٌ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ وَ يَوْمٌ الشَّاهِدِ وَ الْمَشْهُودِ وَ يَوْمٌ تَبْيَانِ الْعُقُودِ عَنِ النَّفَاقِ وَ الْجُحُودِ وَ يَوْمٌ الْبَيَانِ عَنِ حَقَائِقِ الْإِيمَانِ وَ يَوْمٌ دَحْرِ الشَّيْطَانِ وَ يَوْمٌ الْبُرْهَانِ هَذَا يَوْمُ الْفَضْلِ الَّذِي كُنْتُمْ تُوَعَّدُونَ هَذَا يَوْمُ الْمَلِكِ الْأَعْلَى الَّذِي أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ هَذَا يَوْمُ الْإِرْشَادِ وَ يَوْمٌ مِحْنَةِ الْعِبَادِ وَ يَوْمُ الدَّلِيلِ عَلَى الرُّوَادِ هَذَا يَوْمٌ أَبَدَى خَفَايَا الصُّدُورِ وَ مُضْمَرَاتِ الْأُمُورِ هَذَا يَوْمُ النَّصُوصِ عَلَى أَهْلِ الْخُصُوصِ هَذَا يَوْمٌ شَيْبِ هَذَا يَوْمٌ إِدْرِيسَ هَذَا يَوْمٌ يُوشَعَ هَذَا يَوْمٌ شَمْعُونَ هَذَا يَوْمُ الْأَمْنِ الْمَأْمُونِ هَذَا يَوْمٌ إِظْهَارِ الْمَصُونِ مِنَ الْمَكْنُونِ هَذَا يَوْمٌ إِبْلَاءِ السَّرَائِرِ فَلَمْ يَزَلْ ع يَقُولُ هَذَا يَوْمٌ هَذَا يَوْمٌ فَرَأَبُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اتَّقَوْهُ وَ اسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوهُ وَ أَحْذَرُوا الْمَكْرَ وَ لَا تُخَادِعُوهُ وَ فَتَشُوا ضَمَائِرَكُمْ وَ لَا تُؤَارِبُوهُ وَ تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِتَوْحِيدِهِ وَ طَاعَةِ مَنْ أَمَرَكُمْ أَنْ تُطِيعُوهُ- وَ لَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفِرِ وَ لَا يُجْنَحُ بِكُمْ الْغَى فَتَضِلُّوا عَنِ سَبِيلِ الرِّشَادِ بِاتِّبَاعِ أَوْلِيكَ الَّذِينَ ضَلُّوا وَ أَضَلُّوا قَالَ اللَّهُ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ فِي طَائِفَةٍ ذَكَرَهُمْ بِالذَّمِّ فِي كِتَابِهِ- إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كِبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَ الْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا وَ قَالَ تَعَالَى وَ إِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعْفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا- فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ أ فَتَدْرُونَ الْاسْتِكْبَارُ مَا هُوَ- هُوَ تَرَكُ الطَّاعَةَ لِمَنْ أَمَرُوا بِطَاعَتِهِ وَ التَّرَفُّعُ عَلَى مَنْ نَدَبُوا إِلَى مُتَابَعَتِهِ وَ الْقُرْآنُ يُنطِقُ مِنْ هَذَا عَنْ كَثِيرٍ أَنْ تَدْبِرَهُ مُتَدَبِّرٌ زَجْرَهُ وَ وَعَظَهُ إِلَى آخِرِ الْخُطْبَةِ.

«امیر المؤمنین علیه السلام در ضمن خطبه، فرمودند: حقا امروز روزی است که شان و منزلت بزرگ دارد، که در آن فرج و گشایش واقع شد، و درجه و مرتبه بالا رفت، و حجت‌ها تصحیح شد و آن روز واضح ساختن و پرده برداشتن و روشن کردن، از مقام خالص و صریح و بی‌شائبه است، و روز کمال دین است و روز پیمان استوار عهد معهود، و شاهد و مشهود است، و روز انکشاف و وضوح پیمان‌ها از نفاق‌ها و انکار است، و روز بیان و پرده‌برداری از حقایق ایمان است، و روز منع کردن و دور نمودن شیطان است، و روز برهان است.

این روز جدائی بین حق و باطل است که به شما وعده داده شده است! این روز عالم ارواح مجرده است، که شما از آن روی گردان هستید؟ این روز ارشاد و هدایت است، و این روز محنت و سختی برای بندگان خدا است، و روز راهنمایی و دلالت بر پیشگامان حقیقت، و پویندگان معرفت، و جویندگان معنی است، و این روزی است که پنهانی‌های در سینه‌ها را ظاهر کرد، و امور مخفی و پنهان را آشکارا ساخت، و این روز نص و تصریح بر خواص است، این روز شیت است، این روز ادريس است، این روز یوشع است، این روز شمعون است، این روز امن و امان، و در حفظ و صیانت درآمده است، این روز اظهار و ابراز آن چیزی است که از سر مصون و محفوظ از عالم مکنون سر به درآورد، این روز آشکار نمودن نیت‌ها و پندارها است.

و پیوسته آنحضرت می‌فرمود: این روز چه است، این روز چه است.

پس ای مردم! خداوند عز و جل را مراقب باشید! و در حفظ و مصونیت او درآئید، و گوش به او فرا دهید! و فرمان او را اطاعت کنید، و از مکر و حيله پرهیزید! و با خدا خدعه نکنید! و از دل‌ها و پندارها و نیت‌های خود بحث و تفحص به عمل آورید! و با خدای خود با گول و خدعه عمل نکنید!

و به خداوند عز و جل با توحید او، و با پیروی نمودن از کسی که خدا امر کرده است که از او اطاعت کنید! تقرب و نزدیکی جوئید! و به ضلالت آویزان نشود، و گمراهی و انحراف شما را از حق منحرف نکند! تا در نتیجه از راه رشد و کمال باز مانید و گمراه شوید، در اثر پیروی کردن از آن کسانی که خودشان گمراه شدند، و مردم را گمراه کردند. خداوند عزیز گفتار، درباره جماعتی که از آنها در کتاب خود مذمت نموده است، می‌گوید:

(آنها می‌گویند: «ما از بزرگان خود و از پیشوایان خود پیروی نمودیم، و آنها ما را از بیمودن راه راست منحرف کرده، به کجی و ضلالت کشانیدند. بار پروردگارا! ایشان را دو چندان از عذاب بده! و دورباش و لعنت سخت و بزرگی برایشان مقدر کن.»)

و خداوند می‌فرماید: «و در آن وقتی که مستضعفان با مستکبران در میان آتش با هم به بحث و محاجه می‌پردازند، ضعفاء به آنانکه استکبار ورزیده‌اند، می‌گویند: ما پیرو شما بودیم، و تابع و به دنبال شما بودیم، اینک آیا شما ما را از عذاب، گرچه به مقدار مختصری باشد می‌رهانید؟! مستکبران در پاسخ می‌گویند: اگر خدا ما را راهنمایی کند و دستی بگیرد، ما نیز شما را راهنمایی می‌کنیم!»

آیا می‌دانید استکبار چیست؟! استکبار ترک اطاعت از آن کسی است که خداوند امر به اطاعت از او را نموده است، و سرکشی و بلندپروازی از پیروی نمودن کسی که امر به پیروی از او شده است. و قرآن درباره افراد بسیاری از این قبیل سخن می‌گوید، و بیان دارد، اگر تدبر کننده‌ای در قرآن تدبر کند، قرآن او را موعظه می‌دهد، و تهدید و تحذیر می‌کند.<sup>۱</sup>

---

۱- (امام شناسی، ج ۹، ص ۱۹۴ تا ۱۹۷)

## تکالیفی در مورد عید غدیر خم

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ

ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ

لَا سِيَّمًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَوَصِيِّهِ وَخَلِيفَتِهِ، أَسَدِ اللَّهِ الْعَالِبِ، أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

عَلَى بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ أَفْضَلُ التَّحِيَّةِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ

وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ وَمُنْكَرِي فَضَائِلِهِمْ وَمَنَاقِبِهِمْ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

سیدین طاووس «أعلى الله مقامه» در کتاب شریف «إقبال الأعمال» به نقل از صاحب کتاب «النشر والطي» از امام رضا (علیه السلام) روایت کرده است که امام رضا (علیه السلام) فرمودند: هنگامی که قیامت فرا می رسد چهار روز با فخر و مباحات بر خداوند وارد می شوند همانند ورود عروس در شب زفاف بر شوهر خود؛ از حضرت سؤال شد آن چهار روز کدامند حضرت فرمود: روز قربان، روز فطر، روز جمعه و روز غدیر و بدرستیکه روز غدیر در بین آنها مانده است در بین ستارگان و روز غدیر روزی است که حضرت ابراهیم خلیل از آتش نجات یافت و به شکرانه اش آن روز را روزه گرفت و این روز روزی است که خداوند در آن دین را کامل نمود و این کامل شدن زمانی انجام گرفت که پیامبر حضرت علی (علیه السلام) را به عنوان امیر و سرور مؤمنان نصب نمود و فضیلت و وصی بودن او را آشکار ساخت و آن روز را روزه گرفت. و همانا روز غدیر روز کمال و روز به خاک مالیده شدن بینی شیطان و روزی است که اعمال شیعیان و دوستان اهل بیت و خاندان حضرت محمد در آن روز مورد قبول واقع می شود و این روزی است که خداوند در آن اعمال مخالفین (و معاندین با امیرالمؤمنین (علیه السلام)) را نابود می کند و آن را غباری پراکنده و پوچ و بی ارزش می گرداند. و آن روزی است که جبرائیل (علیه السلام) دستور می دهد تا کرسی کرامت و بزرگواری خداوند در مقابل بیت المعمور نصب شود و در حالی که ملائکه تمام آسمانها گرداگرد آن جمع شده اند از آن بالا می رود و همگی بر حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) ثنا و ستایش می نمایند و برای شیعیان امیرالمؤمنین و ائمه (اطهار) (علیهم السلام) و دوستان آنها از فرزندان آدم استغفار می کنند و این روزی است که خداوند در آن به فرشتگان نویسنده اعمال بندگان امر می کند تا قلم ثبت گناهان را از محبین و شیعیان اهل بیت به مدت سه روز بردارند و هیچ مورد از خطاهای آنان را ثبت ننمایند و این بخاطر اکرام و بزرگداشت مقام حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و امام علی

(علیه السلام) و ائمه ( بعد از او (علیهم السلام) ) است و این روز ، روز اختصاص دادن این اکرام از جانب خداوند بر حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و خاندان و نسل او می باشد . و این روزی است که هر کس در امر (معیشت و راحتی) خود و خانواده اش و دوستان خود گشایش و توسعه دهد . خداوند ( نیز) در حال او گشایش و راحتی قرار می دهد ( و او را غنی و آسوده می گرداند ) و او را از آتش جهنم آزاد می کند و رهایی می بخشد و این روزی است که خداوند در آن سعی و تلاش شیعیان را مورد قدردانی و ثواب قرار میدهد و گناهانشان را می آمرزد و عمل آنها را از آنان قبول می نماید . و این روز ، روز آسایش و رهایی از غم و زائل شدن واز بین رفتن بار ( سنگین ) گناهان و روز عطای بی منت و بخشش ( بی حساب ) است و روز گسترش یافتن علم و روز بشارت یافتن مردم به سعادت و رحمت به واسطه پذیرش ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ( روز ) بزرگ ترین عید است. و روزی است که در آن همه دعاها مستجاب میگردد . و روز توقفگاه ( و آزمایش ) بزرگ و روز پوشیدن لباس ( شادی ) و بیرون آوردن ( لباس غم و اندوه ) و سیاهی است و روز شرط و عهدهی است که پیش از این گذاشته شده بود . و روز از بین رفتن و نفی تمام حزن ها و اندوه ها و روز چشم پوشی از شیعیان گناه کار امیرالمؤمنین (علیه السلام) است و این روز ، روز سبقت و پیشی گرفتن ( به بهشت و سعادت ابدی ) است . و روز زیاد نمودن صلوات بر محمد و آل محمد و روز رضای ( خداوند به کامل شدن دین اسلام و قبولی اعمال شیعیان ) و روز عیدی که مختص به اهل بیت حضرت محمد گشته و روز قبولی اعمال و روز طلب افزونی و زیاد شدن ( در امر دین و دنیا ) و روز استراحت مؤمنین و روز تجارت و سود و روز محبت نمودن ( به یکدیگر ) و روز دست یابی و رسیدن به رحمت خداوند و روز پاک شدن و ترک گناهان بزرگ و کوچک و روز عبادت نمودن و روز افطار دادن به روزه داران است. پس کسی که در این روز ، روزه دار مؤمنی را افطار داد و اطعام نمود . مانند کسی خواهد بود که فِئَامِ فِئَامِ – تا آنکه امام رضا (علیه السلام) ده مرتبه فِئَامِ را تکرار نمودند- افطار دهد سپس امام رضا (علیه السلام) سؤال کردند آیا می دانی فِئَامِ چیست ؟ ( راوی ) گفت : خیر ، حضرت فرمودند : ( یعنی ) صد هزار ( نفر) و این روز ، روز شاد باش است که بعضی از شما به دیگری شادباش می گوید ، ( لذا ) زمانی که یک مؤمن برادر خود را ملاقات نمود ( به او ) می گوید :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِئِمَّةِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ).

« حمد و ثنا مخصوص خداوندی است که ما را در بین متوسلین و کسانی که به (ریسمان ) ولایت امیرالمؤمنین و ائمه اطهار (علیهم السلام) چنگ می زنند قرار داد » و این روز روز تبسم و لبخند زدن به چهره مردمی است که اهل ایمان هستند . پس کسی که در روز (عید) غدیر به چهره برادر ( مؤمن ) خود تبسم و لبخند نمود خداوند نیز در روز قیامت با نظر رحمت و عطوفت به او نظر و عنایت میکند و هزار حاجت او را برآورده می سازد و برای او قصری از دُر خالص و ناب در بهشت قرار میدهد و چهره او را شاداب می گرداند و این روز ، روز زینت دادن است . پس کسی که به خاطر (عید) غدیر (خود را ) زینت دهد . خداوند هراشتباه و گناهی را که او انجام داده است می آمرزد و ملائکه ای را مأمور می گرداند تا برای او حسنات و خوبی ها را بنویسند و درجات او ( قرب و نزدیکی به خداوند متعال ) را تا سال بعد بالا ببرند

. پس اگر ( تا سال بعد ) از دنیا رفت به عنوان شهید از دنیا رفته و اگر از دنیا نرفت و زنده ماند به عنوان شخصی سعادت‌مند و رستگار زندگی خواهد کرد . و کسی که ( در این روز ) شخص مؤمنی را اطعام نمود مانند کسی خواهد بود که تمامی پیامبران خدا و صدیقین و مقربان او را طعام داده است و کسی که در این روز مؤمنی را زیارت کند . خداوند در قبر او هفتاد نور وارد می‌سازد و قبر او را گشاده می‌نماید در حالیکه هر روز هفتاد هزار فرشته قبر او را زیارت می‌کنند و او را به بهشت بشارت می‌دهند و در روز غدیر ( بود که ) خداوند ولایت را بر اهل آسمان های هفتگانه عرضه داشت و اهل آسمان هفتم در پذیرش آن سبقت گرفتند پس خداوند نیز ( به خاطر این پیشی گرفتن ) آن آسمان را به عرش مزین نمود سپس اهل آسمان چهارم به پذیرش آن پیشی گرفتند و خداوند نیز آن آسمان را به بیت المعمور مزین ساخت بعد از آن اهل آسمان دنیا به آن سبقت جستند و خداوند نیز آسمان دنیا را به ستارگان زینت داد . سپس ولایت را بر زمین ها عرضه نمود و زمین مکه در پذیرش آن سبقت جست و خداوند نیز آنرا به کعبه مزین فرمود سپس زمین مدینه به آن پیشی جست و خداوند مصطفی ( یعنی ) حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را در آن قرار داد و آن را مزین و منور ساخت سپس زمین کوفه به آن پیشی گرفت پس خداوند امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به او کرامت فرمود و ( آنگاه ) ولایت را بر کوه ها عرضه داشت و اولین کوه هایی که به آن اقرار نمودند و آن را پذیرفتند سه کوه بودند که آنها مزین به سنگ های قیمتی عقیق ، فیروزه ، و یاقوت شدند و با فضیلت ترین و بهترین جواهرات گشتند و سپس کوه های دیگر به آن سبقت جستند و آنها نیز معادن طلا و نقره گشتند . و در آن کوه و زمینی که به ولایت اقرار نمودند و آن را قبول نکردند (دیگر) چیزی نرویاند . و (سپس) در روز غدیر ، ولایت بر آب ها عرضه شد و آن آب هایی که آن را قبول نمودند آب شیرین و گوارا گشتند و آب هایی که آن را نپذیرفتند و آن را انکار نمودند شور و تلخ شدند . و ولایت را در آن روز بر گیاهان ( نیز ) عرضه نمود ، پس آن گیاهانی که آن را قبول نمودند شیرین و پاک و خوش طعم شدند و گیاهانی که آن را انکار نمودند تلخ و بدمزه گشتند سپس در آن روز ولایت را بر پرندگان عرضه داشت ، پس پرندگانی که آن را پذیرفتند گویا و خوش آواز گشتند و پرندگانی که آن را انکار کرده از پذیرش آن سرباز زدند لال و بی صدا همانند شخص لال و گنگ شدند . و مثل مؤمنین در قبول کردن ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روز غدیر خم مانند ملائکه در مورد سجده بر آدم (علیه السلام) است و مثل کسی که از پذیرش ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ابا نمود و آن را نپذیرفت مانند شیطان ( رانده شده از بهشت ) است .

و در این روز بود که این آیه شریفه نازل شد :

أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا

« امروز دین شما را برایتان کامل ساختم و نعمت خودم را بر شما تمام نمودم و پسندیدم برای شماکه اسلام دین شما باشد » و خداوند هیچ پیامبری را به (رسالت) مبعوث ننمود مگر آنکه نزد آن پیامبر روز رسالتش مانند روز غدیر بوده و او نیز حرمت و جایگاه آن را می‌شناخته است. چرا که در همان روز برای امت خود وصی و جانشین و خلیفه ای را بعد از خود منصوب می‌نمود.

## خلاصه برخی از آداب غدیر:

در خطبه امام رضا علیه السلام آمده است: روز غدیر روز تهنیت است و چون مؤمنی برادرش را ببیند، بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِثْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«حمد و سپاس مختص خداوند است که ما را از چنگ زدگان و در آویختگان به ولایت امیرمؤمنان و امامان طاهرين

عليهم السلام قرار داد.»<sup>۱</sup>

\* امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای پیرامون غدیر نکاتی را بیان کرده اند که بعضی از آنها را در ادامه می خوانیم :

نیکی و احسان در روز غدیر سبب زیاد شدن مال و طول عمر است.

عطوفت و مهربانی به یکدیگر در روز غدیر باعث نزول رحمت الهی و ظهور عطوفت خداوندی است .

[عیدی] ثواب یک درهم در روز غدیر معادل یکصد هزار درهم است.

\* و سفارشاتى از قبیل:

۱- پوشیدن لباس نودرغدیر

۲- استعمال عطر در غدیر

۳- اطعام طعام در غدیر

۴- خوشروئی در برخورد در غدیر

۵- توسعه برای خانواده در غدیر

۶- سلام کردن و مصافحه نمودن در غدیر

۷- هدیه دادن در غدیر<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام میفرمود: روزه روز غدیر ، نزد خداوند در هر سال با صد حج مبرور و با صد عمره مبروره و

قبول شده ، معادل است و آن نیز بزرگترین عید خداوند است.<sup>۳</sup>

\* {افطاری غدیر}: امام رضا علیه السلام می فرمایند:

{غدیر} روز افطار دادن به روزه داران است. پس کسی که در این روز ، روزه دارمؤمنی را افطار داد. مانند کسی خواهد

بود که فِئام فِئام - تا آنکه امام رضا (علیه السلام) ده مرتبه فِئام را تکرار نمودند - افطار دهد سپس امام رضا (علیه

السلام) سؤال کردند آیا می دانی فِئام چیست ؟

( راوی ) گفت : خیر ، حضرت فرمودند: ( یعنی ) صد هزار ( نفر).<sup>۴</sup>

۱- (إقبال ص ۴۶۴)

۲- (مصباح کفعمی ص ۶۹۵)

۳- (الغدیر ج ۱ ص ۲۸۶)

۴- (إقبال ج ۱ ص ۴۶۴)

\* {تبسم غدیر}:

کسی که در روز غدیر به چهره برادر خود تبسم و لبخند نمود:

۱- خداوند نیز در روز قیامت با نظر رحمت به او نظر میکند

۲- و هزار حاجت او را برآورده می سازد

۳- و برای او قصری از دُر خالص و ناب در بهشت قرار میدهد

۴- و چهره او را شاداب می گرداند.<sup>۱</sup>

\* {زینت کردن برای غدیر ( از قبیل: خرید لباس عید، خانه تکانی عید غدیر و ... )}:

{غدیر} روز زینت است. پس کسی که به خاطر غدیر زینت کند:

۱- خداوند تمام گناهان صغیره و کبیره او را می آمرزد

۲- و ملائکه ای را مأمور می گرداند تا برای او حسنات و خوبی ها را بنویسند

۳- و درجات او ( قرب و نزدیکی به خداوند متعال ) را تا سال آینده مانند همین روز بالا ببرند.

۴- پس اگر ( تا سال بعد ) از دنیا رفت به عنوان شهید از دنیا رفته

۵- و اگر زنده ماند به عنوان شخصی سعادتمند زندگی خواهد کرد.<sup>۲</sup>

\* {اطعام غدیر}:

کسی که ( در غدیر ) شخص مؤمنی را اطعام نمود مانند کسی خواهد بود که تمامی پیامبران خدا و صدیقین و مقربان او را اطعام نموده است.<sup>۳</sup>

\* {دیدار مؤمن در غدیر ( دیدوباز دید عید غدیر )}:

کسی که در این روز مومنی را زیارت کند.

۱- خداوند در قبر او هفتاد نور وارد می سازد

۲- و قبر او را وسیع می نماید

۳- و هر روز هفتاد هزار فرشته قبر او را زیارت می کنند

۴- و او را به بهشت بشارت می دهند.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: در این روز بر محمد و آل محمد علیهم السلام بسیار صلوات بفرست، و از ظالمان بر آنان براءت بجوی.<sup>۵</sup>

\* و تحقیقاً که آنروز (روز عید غدیر)، روزِ روزه، و قیام به نماز، و اطعام، و صلّه برادران دینی است، و در آن روز وسائل رضای خداوند رحمن و موجبات به خاک مالیده شدن بینی شیطان موجود است.<sup>۶</sup>

۱ و ۲ و ۳ و ۴ - ( اقبال ج ۱ ص ۴۶۴ )

۵ - ( بحار الأنوار ج ۳۷ ص ۱۷۱ )

۶ - ( اقبال ص ۴۶۶ )



## یکی از روایات خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم

{ چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از نماز ظهر فارغ شد، بر آن منبر جهازی بالا رفت و در حالیکه در وسط جمعیت قرار گرفته بود صدای خود را به خواندن خطبه بلند کرد و به طوری بلند خطبه می خواند که صدایش را به همه جمعیت می رساند، و چنین ایراد خطبه کرد:

الحمد لله، و نستعینه، و نؤمن به، و نتوکل علیه، و نعوذ بالله من شرور انفسنا، و من سیئات اعمالنا، الذی لا هادی لمن ضل، و لا مضل لمن هدی. و اشهد ان لا اله الا الله، و ان محمدا عبده و رسوله.

اما بعد: ایها الناس! قد نبأنی اللطیف الخبیر انه لم یعمر نبی الا مثل نصف عمر الذی قبله! و انی او شک ان ادعی فاجبت! و انی مسؤول، و انتم مسؤولون: فماذا انتم قائلون؟!

قالوا: نشهد انک قد بلغت و نصحت و جهدت! فجزاک الله خیرا!

قال: أ لستم تشهدون ان لا اله الا الله، و ان محمدا عبده و رسوله، و ان جنته حق، و ناره حق، و ان الموت حق، و ان الساعة آتیة لا ریب فیها، و ان الله یبعث من فی القبور؟!

قالوا: بلی! نشهد بذلك!

قال: اللهم اشهد!

ثم قال: ایها الناس! الا تسمعون؟!

قالوا: نعم!

قال: فانی فرط علی الحوض، و انتم واردون علی الحوض! و ان عرضه ما بین صنعاء و بصری، فیہ اقداح عدد النجوم من فضة. فانظروا کیف تخلفونی فی الثقلین؟!

فنادی مناد: و ما الثقلان یا رسول الله؟!

قال: الثقل الاکبر کتاب الله، طرف بید الله عز و جل، و طرف بأیدیکم، فتمسکوا به لا تضلوا! و الآخر الاصغر عترتی، و ان اللطیف الخبیر نبأنی انهما لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض! فسالت ذلك لهما ربی، فلا تقدموهما فتهلکوا، و لا تقصروا

عنهما فتهلکوا!

ثم اخذ بید علی فرفعها حتی رئی بیاض آباطهما و عرفه القوم اجمعون.

فقال: ایها الناس من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم؟!

قالوا: الله و رسوله اعلم!

قال: ان الله مولای، و انا مولی المؤمنین، و انا اولی بهم من انفسهم! فمن كنت مولاه فعلى مولاه. یقولها ثلاث مرات،

و فی لفظ احمد امام الحنابلة: اربع مرات. <sup>۱</sup>

ثم قال: اللهم وال من والاه! و عاد من عاداه! و احب من احبه! و ابغض من ابغضه! و انصر من نصره! و اخذل من خذله! و ادر الحق معه حيث دار! الا فليبلغ الشاهد الغائب!  
ثم لم يتفرقا حتى نزل امين وحي الله بقوله:

«اليوم أكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام ديناً» <sup>۲</sup> الآية.

فقال رسول الله صلى الله عليه و آله: الله اكبر على اكمال الدين و اتمام النعمة و رضى الرب برسالتى و الولاية لعلى من بعدى

ثم طفق القوم يهنئون امير المؤمنين صلوات الله عليه. و ممن هناه فى مقدم الصحابة: الشيخان: ابو بكر و عمر، كل يقول: بنخ لك يا بن ابي طالب اصبحت و امسيت مولاي و مولى كل مؤمن و مؤمنة!  
و قال ابن عباس: وجبت فى اعناق القوم. فقال حسان: ائذن لى يا رسول الله ان اقول فى على ابياتا تسمعهن! فقال: قل على بركة الله!

فقام حسان فقال: يا معشر مشيخة قريش اتبعها قولى بشهادة من رسول الله فى الولاية ماضية. ثم قال:

---

[۱] ابن كثير دمشقى در تاريخ «البداية و النهاية» گوید: نسائی در «سنن» خود از محمد بن مثنى، از يحيى بن حماد، از ابو معاوية، از اعمش، از حبيب بن اى ثابت، از ابو طفيل، از زيد بن ارقم آورده است که او گفته است: لما رجع رسول الله من حجة الوداع و نزل غدیر خم أمر بدوحات فقيمَنَ ثم قال: كَأَنى قد دُعيتُ فَأَجيتُ اِنى قد تركت فيكم التقلين: كتاب الله و عترتى اهل بيتى. فانظروا كيف تخلفونى فيهما فَإِنَّهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض. ثم قال: الله مولاي و أنا وليُّ كلِّ مؤمن. ثم أخذ بيد على فقال: من كنت مولاهُ فهذا وليُّه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. فقلت لزيد: سمعت من رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم؟ فقال: ما كان فى الدوحات أحد إلّا رآه بعينه و سمعه بأذنيه. نسائی متفرد است به این روایت از این وجه. و شيخ ما أبو عبد الله ذهبى گفته است: این حدیث، صحیح است.

[۲] آیه ۳، از سوره ۵: مائده.

ینادیهیم یوم الغدیر نبیهیم	بخمّ فاسمع بالرسول منادیا ۱ <sup>۱</sup>
و قد جاءه جبریل عن امر ربه	بانک معصوم فلا تک وانیا ۲
و بلغهم ما انزل الله ربهم الیک	و لا تخش هناک الاعادیا ۳
فقام به اذ ذاک رافع کفه	بکف علی معلن الصوت عالیا ۴
فقال: فمن مولاکم و ولیکم	فقالوا و لم یبدوا هناک تعامیا ۵
الهک مولانا و انت ولینا	و لن تجدن فینا لک الیوم عاصیا ۶
فقال له: قم یا علی فاننی	رضیتک من بعدی اماما و هادیا ۷
فمن کنت مولاہ فهذا ولیہ	فکونوا له انصار صدق موالیا ۸
هناک دعا اللهم وال ولیہ	و کن للذی عادى علیا معادیا ۹
فیا رب انصر ناصریه لنصرهم	امام هدی کالید ریجلو الدیاجیا ۱۰ <sup>۲</sup>

«حمد و ستایش مختص ذات خداوند است، و ما به او ایمان داریم، و توکل بر او می‌نمائیم، و پناه می‌بریم به خداوند از شرور نفس‌های خودمان، و از زشتی‌های کردارمان، آنچنان خداوندی که اگر کسی گمراه شود، راهنمای او نخواهد بود، و اگر کسی را هدایت نماید، دیگر گمراه کننده‌ای نخواهد داشت، و شهادت می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست، و اینکه محمد بنده او و فرستاده اوست.

اما بعد، ای مردم! خداوند لطیف و خبیر چنین به من آگاهانیده است که: مقدار عمر هر پیغمبری به قدر نصف عمر پیغمبری است که قبل از او آمده است<sup>۳</sup>، و نزدیک است که مرا برای ارتحال به سوی خدا بخوانند و من اجابت کنم، و من در پیشگاه خداوند مورد سؤال و پرسش واقع می‌شوم، و شما نیز مورد پرسش قرار می‌گیرید! بنابراین در موقف قیامت در پیشگاه پروردگار چه خواهید گفت؟!

[۱] «الغدیر» ج ۱، ص ۱۰ و ص ۱۱؛ و «حبيب السیر» ج ۱، جزء سوّم، ص ۴۱۰ و ص ۴۱۱؛ و «روضة الصفاء» ج ۲، حجة الوداع، و ابن کثیر در «البدایة و النّهائة» ج ۵، ص ۲۰۹ و ص ۲۱۰ این حدیث را مختصراً از براء بن عازب با تصریح به من کنتُ مولاہ فعلیّ مولاہ و تهنیت عمر بن خطاب به هنیئاً لک أصبحتُ و أمسیتُ آورده است. و در «مناقب» ابن مغازلی، از ص ۱۶ تا ص ۱۸ مفصلاً آورده است، و همچنین در «الصواعق المحرقة» ص ۲۵ و در «فرائد السمطين» ج ۱، ص ۶۴ و ص ۶۵، دو حدیث در تحت شماره ۳۰ و ۳۱ آورده است. و در «بحار الانوار» ج ۹، ص ۱۹۹ و ص ۲۰۰ از «أمالی شیخ» آورده است

[۲] «الغدیر» ج ۲، ص ۳۹ از محقق فیض کاشانی در «علم الیقین»؛ و از کتاب سلیم بن قیس الهلالی، و نیز قریب به همین مضمون را در ج ۱، «الغدیر» ص ۲۱۴ تا ص ۲۱۶ از ابو جعفر محمد بن جریر طبری در کتاب «ولایت» در طرق حدیث غدیر آورده است. و نیز در «إعلام الوری بأعلام الهدی» شیخ طبری از ص ۱۳۸ تا ص ۱۴۰ آورده است. و در «فرائد السمطين» ج ۱، ص ۷۴ و ص ۷۵، و «غایة المرام» قسمت اول ص ۸۷ حدیث شماره هفتاد و یکم و شماره هفتاد و دوّم از حَمَوْنِی. و «روضة الصفا» طبع سنگی، ج ۲، واقعه غدیر در تتمّة داستان حجة الوداع؛ و «حبيب السیر» طبع حیدری، ج ۱، ص ۴۱۱؛ و «کتاب سلیم بن قیس هلالی» ص ۲۲۸ و ص ۲۲۹، و مجلسی در «بحار الانوار» طبع کمیانی، ج ۹، ص ۲۲۲، از کتاب سلیم بن قیس؛ و «مجالس المؤمنین»؛ مجلس اول، ص ۱۲.

[۳] این عبارت را که إِنَّهُ لَمْ یَعْمَرْ نَبِیُّ إِلَّا مَثَلُ نَصْفِ عُمَرُ الَّذِی قَبْلَهُ رواه عامّه در کتب خود روایت کرده‌اند، و ابن حقیق به روایتی که راویان آن از شیعه باشند برخورد نکرده‌ام. و بر هر تقدیر باید معنای این نحوه تعبیر را دانست. زیرا که معلوم است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شصت و سه سال عمر کرده‌اند. و پیغمبر قبل از ایشان، حضرت عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیه السلام چهل سال عمر کرده است. فعلیهذا نمی‌توانیم تمام شصت و سه سال را نصف از آن مقدار بگیریم و باید گفت: شاید مراد خصوص زمان نبوت آنحضرت باشد که بیست و سه سال است و پس از کسر سه سال دوره دعوت مخفیانه و عدم امر به تبلیغ علنی و آشکارا که بسیاری همان زمان را که بیست سال است دوره رسالت آن حضرت پنداشته‌اند؛ نصف مقدار چهل سال می‌شود که رسالت حضرت مسیح بوده است؛ زیرا که نبوت مسیح طبق آیه کریمه ۲۹ و ۳۰ از سوره مریم: فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا - قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا. از دوران گاهواره و بدو زمان ولادت او بوده است.

مردم گفتند: ما در پیشگاه خداوندی، گواهی می‌دهیم که حقا تو رسالات

خدا را ابلاغ کردی، و امت را نصیحت نمودی! و جدیت و کوشش کردی! پس خداوند تو را پاداش خیر دهد!  
پیغمبر فرمود: آیا شما اینطور نیستید که شهادت دهید که: معبودی جز خداوند نیست! و محمد بنده او و فرستاده اوست! و اینکه بهشت خدا حق است! و جهنمش حق است! و مرگ حق است! و اینکه ساعت قیامت بدون شک می‌رسد! و خداوند مردگان را از میان قبرها برمی‌انگیزد؟!!

همه گفتند: آری! ما بدین مطالب گواهی می‌دهیم!

پیغمبر عرض کرد: بار پروردگارا شاهد باش!

و سپس فرمود: ای مردم! آیا نمی‌شنوید؟!!

گفتند: آری! پیغمبر فرمود: من در این راه خدا و قیامت، جلودار هستم، و پیشاپیش حرکت می‌کنم، و شما بعدا می‌رسید، و در کنار حوض کوثر بر من وارد خواهید شد! حوضی که مساحتش به اندازه فاصله صنعاء یمن و بصری در شام است! در آن برای آب برداشتن قدهائی است به اندازه تعداد ستارگان آسمان. و آن ظرفها از نقره است! پس ملاحظه کنید و نظر نمائید که: چگونه جانشینی و خلافت مرا در دو چیز نفیس و گرانبها که از خود به یادگار می‌گذارم رعایت می‌کنید، و چگونه مرا در آن دو نگاه می‌دارید؟!!

یک نفر از میان آن مردم ندا کرد: ای پیغمبر خدا! مراد شما از دو چیز نفیس و گرانبها چیست؟!!

فرمود: متاع نفیس بزرگتر: کتاب خداست، که یک طرف آن به دست خداوند عز و جل است، و یک طرف دیگر آن به دست‌های شماست! پس بدان تمسک کنید و محکم بگیرید که گمراه نشوید!

و متاع نفیس کوچکتر: عترت من است، و خداوند لطیف و خبیر مرا آگاه کرده است که: این دو متاع نفیس هیچگاه از یکدیگر جدا نمی‌شوند، تا در حوض کوثر بر من وارد شوند. و من این عدم افتراق و جدائی را برای آن دو از پروردگارم تقاضا نموده‌ام! ای مردم از این دو چیز جلو نیفتید که هلاک می‌شوید! و درباره آنها کوتاه نباشید که هلاک می‌شوید!  
سپس دست علی را گرفت و بلند کرد، به طوری که سپیدی زیر بغل هر دوی آنها دیده شد، و تمام مردم علی را دیدند و شناختند.

پس از آن فرمود: ای مردم ولایت چه کسی از مؤمنین نسبت به خود مؤمنین بیشتر است؟!!

گفتند: خداوند و پیغمبر او بهتر می‌دانند!

فرمود: خداوند مولای من است، و من مولای مؤمنان هستم، و من از جان مؤمنان به خود مؤمنان ولایتیم بیشتر است! پس بدانید که: من کنت مولاة فعلی مولاة هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست. سه بار رسول خدا این جمله را تکرار کرد. و در عبارت احمد حنبل که رئیس حنبلی‌هاست آمده است که: رسول خدا چهار بار این جمله را تکرار نمود.  
و سپس فرمود: اللهم وال من والاه! و عاد من عاداه! و احب من احبه! و ابغض من ابغضه! و انصر من نصره! و اخذل من خذله! و ادر الحق معه حيث دار!

«پروردگارا تو ولی و مولای کسی باش که ولایت علی را گرفته است! و دشمن بدار کسی را که او را دشمن دارد! و دوست بدار کسی را که او را دوست دارد! و مبعوض بدار کسی را که او را مبعوض دارد! و یاری کن کسی را که علی را یاری کند! و ذلیل و خوار کن کسی را که علی را مخدول بنماید! و پروردگارا! حق را با علی به حرکت و گردش درآور، آنجا که علی می‌گردد و حرکت می‌کند!» آگاه باشید که باید این مطالب را حاضران به غائبان برسانند.

و هنوز مردم متفرق نشده بودند که امین وحی خدا جبرئیل نازل شد، و این آیه را آورد:

اليوم أكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام دينا.

خدا فرمود: «من امروز دین شما را برای شما کامل کردم، و نعمت خودم را بر شما تمام نمودم، و راضی شدم که اسلام دین شما باشد.»

در اینحال رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: الله اکبر بر اکمال دین خدا، و بر اتمام نعمت خدا، و بر رضایت پروردگار به رسالت من، و به ولایت علی بعد از من.

و پس از این جریان، شروع کردند آن قوم و جمعیت به تهنیت و مبارکباد

امیر المؤمنین - صلوات الله علیه - و از زمره کسانی که در پیشاپیش اصحاب رسول خدا به امیر المؤمنین تهنیت گفتند، ابو بکر و عمر بودند، که هر یک از آنها گفتند: یخ یخ لک یا بن ابی طالب! اصیحت و امسیت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنة «به به بر تو! آفرین بر تو باد! ای پسر ابو طالب! صبح کردی و شام کردی در حالی که آقا و مولای من، و آقا و مولای هر مرد مؤمن و هر زن مؤمنه‌ای هستی!»

ابن عباس گفت: سوگند به خدا که تعهد بر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام بر نفس‌ها و عهده‌های قوم ثابت و برقرار شد، و همه گردنگیر شدند.

در این حال حسان بن ثابت گفت: ای رسول خدا به من اجازه دهید که درباره علی ابیاتی از شعر را انشاء کنم که این قوم آن ابیات را بشنوند! (و یا شما آن را استماع فرمائید).

حضرت رسول الله فرمودند: بگو با استمداد از برکات خدا!

حسان برخاست، و سپس گفت: ای بزرگان، و ای شیوخ قریش! من پس از آنکه شهادت می‌دهم که گفتار رسول خدا درباره ولایت علی نافذ و مورد قبول است، گفتار خود را بدین ابیات دنبال می‌کنم:

۱- در روز غدیر خم، پیغمبر این قوم و جمعیت، این قوم را ندا می‌کند، و چقدر ندای این پیغمبر که منادی است شنوا کننده و فهماننده است.

۲- در حالی که جبرائیل به امر پروردگارش آمده بود، و چنین اعلام کرده بود که تو در عصمت و مصونیت خدا هستی پس در بیان و ابلاغ این امر سستی مکن!

۳- و برسان و تبلیغ کن به مردم آنچه را که از طرف پروردگارشان به تو نازل شده است، و در آنجا از دشمنی و عداوت دشمنان مترس، و هراس نداشته باش!

۴- پس پیغمبر، علی را بپا داشت، و در آن هنگام با دست خود دست علی را گرفته و بلند کرده بود، و با صدای بلند اعلان نموده و نشان می‌داد.

۵- پس رسول خدا فرمود: ای مردم مولا و ولی شما کیست؟! و آن قوم بدون آنکه تجاهلی کرده باشند گفتند:

۶- خدای تو مولای ماست! و تو ولی ما هستی! و امروز در میان ما هیچکس را مخالف خود که از فرمان تو سرپیچی کند نمی‌یابی!

۷- در این حال پیامبر به علی فرمود: برخیز ای علی! من راضی هستم و خوشایند دارم که تو پس از من امام و هادی امت باشی.

۸- پس ای مردم! هر کس که من مولای او هستم، اینک علی ولی اوست! و شما مردم یاران صدیق و موالیان راستین او در هر حال بوده باشید!

۹- در آنجاست که پیامبر دعا کرد: بار پروردگار من! تو ولایت کسی را داشته باش که او ولایت علی را دارد! و نسبت به کسی که با علی خصومت ورزد، دشمن باش.

۱۰- ای پروردگار من! تو یاری کن کسانی را که علی را یاری می‌کنند به جهت یاری کردنشان. علی آن پیشوای هدایت است که همچون ماه شب چهاردهم ظلمت‌ها را می‌شکافد، و تاریکی‌ها را نور می‌بخشد».

چون حسان این اشعار را انشاد کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمودند: یا حسان لا تزال مؤیدا بروح القدس ما نصرتنا بلسانک.<sup>۱</sup> «ای حسان تو پیوسته از طرف روح القدس تایید می‌شوی، تا هنگامی که ما را با زبانت یاری کنی!»<sup>۲</sup>

## دوری از غدیر سبب اختلاف و عذاب

قَالَتْ [فاطمه (سلام الله عليها)] أَشْهَدُ اللَّهَ تَعَالَى لَقَدْ سَمِعْتُهُ [ه]، يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ: - عَلِيُّ خَيْرٌ مَن أُخْلِفَهُ فِيكُمْ وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدِي - وَ سِبْطَايَ وَ تِسْعَةَ مَن صُلْبِ الْحُسَيْنِ أَيْمَةً أُبْرَارًا - لَئِنِ اتَّبَعْتُمُوهُمْ وَ جَدُّتُمُوهُمْ هَادِينَ مَهْدِيَّيْنَ - وَ لَئِنِ خَالَفْتُمُوهُمْ لَيَكُونُ الْاِخْتِلَافُ فِيكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ... الْحَدِيث.<sup>۳</sup>

حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) فرمودند: «خداوند متعال را شاهد می‌گیرم، شنیدم که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌فرمود: علی بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می‌دهم و او امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزند او (حسن و حسین (علیهما السلام)) و نه نفر از فرزندان حسین (علیه السلام) پیشوایان پاک و نیک شمایند اگر از آنها

[۱] «تفسیر أبو الفتوح رازی» طبع مظفری، ج ۲، ص ۱۹۳.

[۲] «امام شناسی، علامه طهرانی رحمه الله علیه» ج ۷ ص ۶۷ تا ۷۴

[۳]- (بحار جلد ۳۶ ص ۲۵۴)

اطاعت کنید شما را هدایت خواهند نمود و اگر مخالفت ورزید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد بود».

و خداوند می فرماید: لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ كُلُّهُمْ عَلَيَّ وَلِيَّةَ عَلَيٍّ مَا خَلَقْتُ النَّارَ. «اگر همه مردم بر ولایت علی متفق بودند آتش جهنم را خلق نمی کردم».<sup>۱</sup>

قَالَتْ سَيِّدَةُ النُّسَوَانِ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ لَمَّا مُنِعَتْ فَدَكَ وَ خَاطَبَتْ الْأَنْصَارَ فَقَالُوا يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ لَوْ سَمِعْنَا هَذَا الْكَلَامَ مِنْكَ قَبْلَ بَيْعَتِنَا لِأَبِي بَكْرٍ مَا عَدَلْنَا بِعَلِيِّ أَحَدًا فَقَالَتْ وَ هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لِأَحَدٍ عُدْرًا.<sup>۲</sup>

«حضرت فاطمه زهراء سرور زنان عالم سلام الله عليها زمانیکه فدک را از حضرت منع نمودند ، ایشان انصار را مخاطب قرار دادند و انصار گفتند :

ای دختر محمد اگر ما این کلام شما را قبل از بیعت با ابی بکر شنیده بودیم به کسی غیر از علی رجوع نمی نمودیم پس حضرت فاطمه سلام الله عليها فرمودند : آیا مگر پدرم روز غدیر خم برای احدی عذری باقی گذاشت؟! «

---

۱- (أمالی شیخ صدوق - مجلس ۹۴ - ص ۶۵۷)

۲- (الخصال، ج ۱، ص: ۱۷۳)

{ برخی از مورّخینی که واقعه غدیر خم را نقل کرده‌اند }

- ۱- بلاذری متوفی در سنه ۲۷۹ در «انساب».
  - ۲- ابن قتیبة متوفی در ۲۷۶ در «معارف» و در کتاب دیگر خود به نام «الامامة و السياسة».
  - ۳- طبری متوفی در ۳۱۰ در کتاب مستقل.
  - ۴- ابن زولاق لیثی مصری متوفی در ۲۸۷ در تالیف خود.
  - ۵- خطیب بغدادی متوفی در ۴۶۳ در تاریخ خود.
  - ۶- ابن عبد البر متوفی در ۴۶۳ در «استیعاب».
  - ۷- شهرستانی متوفی در ۵۴۸ در «ملل و نحل».
  - ۸- ابن عساکر متوفی در ۵۷۱ در «تاریخ دمشق».
  - ۹- یاقوت حموی در «معجم الادبا» ج ۱۸ ص ۸۴ از طبع اخیر.
  - ۱۰- ابن اثیر متوفی در ۶۳۰ در «أسدالغابة».
  - ۱۱- ابن ابی الحدید متوفی در ۶۵۶ در «شرح نهج البلاغه».
  - ۱۲- ابن خلکان متوفی در ۶۸۱ در تاریخ خود.
  - ۱۳- یافعی متوفی در ۷۶۸ در «مرآة الجنان».
  - ۱۴- ابن الشیخ بلوی در «الف بآء».
  - ۱۵- ابن کثیر شامی متوفی در ۷۷۴ در «البدایة و النهایة».
  - ۱۶- ابن خلدون متوفی در ۸۰۸ در مقدمه تاریخ خود.
  - ۱۷- شمس الدین ذهبی در «تذکرة الحفاظ».
  - ۱۸- نویری متوفی حدود ۸۳۳ در «نهایه الارب».
  - ۱۹- ابن حجر عسقلانی متوفی در ۸۵۲ در «اصابة» و «تهذیب التهذیب».
  - ۲۰- ابن صباغ مالکی متوفی در ۸۵۵ در «فصول المهمة».
  - ۲۱- مقریزی متوفی در ۸۴۵ در «خِطَط».
  - ۲۲- جلال الدین سیوطی متوفی در ۹۱۰ در کتب بسیاری.
  - ۲۳- قرمانی دمشقی متوفی در ۱۰۱۹ در «اخبار الدول».
  - ۲۴- نور الدین حلبی متوفی در ۱۰۴۴ در «سیره حلبیه».
- و غیر ایشان از مورخان دیگر.



### برخی از محدثینی که واقعه خم را غدیر را نقل کرده‌اند

- ۱- امام شافعی‌ها: ابو عبد الله محمد بن ادریس شافعی متوفی در سنه ۲۰۴ چنانکه در «نهایه ابن اثیر» آمده است.
  - ۲- امام حنبلی‌ها: احمد بن حنبل متوفی در سنه ۲۴۱ در دو کتاب «مسند» و «مناقب» خود.
  - ۳- ابن ماجه متوفی در ۲۷۳ در «سنن» خود.
  - ۴- ترمذی متوفی در ۲۷۹ در «صحیح» خود.
  - ۵- نسائی متوفی در ۳۰۳ در «خصائص».
  - ۶- ابو یعلیٰ موصلی متوفی در ۳۰۷ در «مسند» خود.
  - ۷- بغوی متوفی در ۳۱۷ در «سنن» خود.
  - ۸- دولابی متوفی در ۳۲۰ در «الکنی و الاسماء».
  - ۹- طحاوی متوفی در ۳۲۱ در «مشکل الآثار».
  - ۱۰- حاکم متوفی در ۴۰۵ در «مستدرک».
  - ۱۱- ابن مغازلی شافعی متوفی در ۴۸۳ در «مناقب».
  - ۱۲- ابن منده اصفهانی متوفی ۵۱۲ با طرق عدیده در تالیفش.
  - ۱۳- خطیب خوارزمی متوفی در ۵۶۸ در «مناقب» و نیز در «مقتل حضرت امام سبط سید الشهداء علیه السلام».
  - ۱۴- کنجی متوفی در ۶۵۸ در «کفایة الطالب».
  - ۱۵- محب الدین طبری متوفی در ۶۹۴ در دو کتاب خود به نام: «الریاض النضرة» و «ذخائر العقبی».
  - ۱۶- حموی متوفی در ۷۲۲ در «فرائد السمطین».
  - ۱۷- هیثمی متوفی در ۸۰۷ در «مجمع الزوائد».
  - ۱۸- ذهبی متوفی در ۸۳۰ در «تلخیص».
  - ۱۹- جزری متوفی در ۸۳۰ در «اسنی المطالب».
  - ۲۰- قسطلانی متوفی در ۹۲۳ در «المواهب اللدنیة».
  - ۲۱- متقی هندی متوفی در ۹۷۵ در «کنز العمال».
  - ۲۲- هروی قاری متوفی در ۱۰۱۴ در «المرقاة فی شرح المشکاة».
  - ۲۳- تاج الدین مناوی متوفی ۱۰۳۱ در «کنوز الحقایق فی حدیث خیر الخلائق»، و در «فیض القدر».
  - ۲۴- شیخانی قادری در کتاب «الصراط السوی فی مناقب آل النبی».
  - ۲۵- با کنیر المکی متوفی در ۱۰۴۷ در «وسیلة الآمال من مناقب الآل».
  - ۲۶- ابو عبد الله زرقانی مالکی متوفی در ۱۱۲۲ در «شرح مواهب - ۷۲».
  - ۲۷- ابن حمزه دمشقی حنفی در کتاب «البیان و التعریف».
- و غیر ایشان از محدثان دیگر.

### برخی از مفسرانی که تفسیر آیات غدیر را ذکر نموده اند

- ۱- طبری متوفی ۳۱۰ در تفسیر خود.
  - ۲- ثعلبی متوفی ۴۲۷/۴۳۷ در تفسیر خود.
  - ۳- واحدی متوفی ۴۶۸ در «اسباب النزول».
  - ۴- قرطبی متوفی ۵۶۷ در تفسیر خود.
  - ۵- ابو السعود در تفسیر خود.
  - ۶- فخر رازی متوفی ۶۰۶ در تفسیر کبیر خود.
  - ۷- ابن کنیر شامی متوفی ۷۷۴ در تفسیر خود.
  - ۸- نیشابوری متوفی در قرن هشتم در تفسیر خود.
  - ۹- جلال الدین سیوطی در تفسیر خود.
  - ۱۰- خطیب شربینی در تفسیر خود.
  - ۱۱- آلوسی بغدادی متوفی ۱۲۷۰ در تفسیر خود.
- و غیر ایشان از مفسرین دیگر.

### برخی از متکلمین و لغویینی که متعرض حدیث غدیر شده اند

- یا به جهت اقامه حجّت برای خود در برابر خصم، و یا به جهت نقل حجّت خصم بر علیه خود. و اگرچه در هنگام استدلال به آن مناقشه وارد کند، مانند:
- ۱- قاضی ابو بکر باقلانی بصری متوفی در سنه ۴۰۳ در کتاب «تمهید القواعد».
  - ۲- قاضی عبد الرحمن ایچی شافعی متوفی ۷۵۶ در «مواقف».
  - ۳- السید شریف جرجانی متوفی ۸۱۶ در «شرح مواقف».
  - ۴- بیضاوی متوفی ۶۸۵ در «طوالع الانوار».
  - ۵- شمس الدین اصفهانی در «مطالع الانظار».
  - ۶- تفتازانی متوفی ۷۹۲ در «شرح مقاصد».
  - ۷- قوشجی مولی علاء الدین متوفی در ۸۷۹ در «شرح تجرید».<sup>۱</sup>

---

[۱] امام شناسی حضرت علامه طهرانی رحمه الله علیه ج ۷ ص ۱۶۶ تا ۱۷۰ به نقل از الغدیر

به هر حال بنا بر دستور پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در خطبه غدیر که :

فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدَ الْعَائِبَ وَالْوَالِدَ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

« پس باید کسانی که شاهد هستند و حضور دارند به غائبان ، و پدران به فرزندان تا روز قیامت ( این خبر واقعه غدیر را) برسانند » ؛ همه موظف به تبلیغ عید بزرگ غدیر خم و ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستیم . بنابراین باید عیدالله الاکبر ، عید غدیر خم قلباً و لساناً و عملاً در زندگی محبان و شیعیان آن حضرت ظهور و بروز داشته باشد تا این مسئله حیاتی و سرنوشت ساز برای بشریت حفظ شود و همه عالم از اتمام نعمت بهره مند شوند و سر سفره الهی از حقایق ایمان و انوار ایقان توشه بردارند و موجبات سعادت دنیا و آخرت برایشان فراهم شود . و آن زمانی محقق می شودکه همه عالم به این معنا و به حقیقت عید غدیر و ولایت روی آورند تا عطر حیات بخش وحدت واقعی را که جلوه ای از ایمان و معرفت است چشیده واز عذاب الهی نجات یابند و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكَ اللَّهُمَّ أَعْدَائَهُمْ.

\*\*\* (مربوط به صفحه ۱۵) لازم به تذکر است که:

- اولاً : مطالب این بخش ؛ برگرفته و بلکه می توان گفت خلاصه بسیار فشرده ای از کتابهای
- امام شناسی جلد ۶ و ۷ و ۹ تألیف حضرت علامه طهرانی رحمه الله علیه
  - تفسیر المیزان ج ۵ تألیف حضرت علامه طباطبائی رحمه الله علیه
  - اسرار غدیر و گزارش لحظه به لحظه از واقعه غدیر تألیف جناب آقای محمد باقر انصاری آیده الله تعالی می باشد.

ثانیا : غالب قریب به اتفاق متون را بدون هیچگونه تغییری از کتب یاد شده نقل کرده ایم.

ثالثاً : منابع و اسناد برخی مطالب و روایات در متن ذکر نشده (به جهت اختصار) و عزیزان را به کتب ذکر شده در بالا ارجاع می دهیم (که اسناد و مدارک و تحقیق مسائل در آنها بطور مفصل و مجزی بیان شده است).